

۳۰ تومان بدهیم. حالاکه ۴۵۰ هزار تومان پول بی صاحب داریم بهترین است یک کارخانه آهنگری فقط برای ساختن و تعمیر ادوات فلاحتی از خارج وارد کنیم.

وارد کردن هیچ کارخانه خیلی ارزان هم هست و ممکن است باین پول ما در کارخانه آهنگری یکی برای این سرملکت و یکی هم برای آنسر ملکت وارد کنیم اگر این کار را بکنیم بقیه بده بزرگترین اصلاحات را در ملکت کرده ایم و بجای اینکه مقدار زیادی سالانه پول برای خرید لوازم زراعتی و فلاحتی بخریم بفرستیم کارخانه می آوریم و متخصص می آوریم و ماشین آلات را خودمان در این جا می سازیم.

پس معلوم می شود که مقصود از این لایحه اصلاح امر زراعت نیست بلکه مقصود این است که یک پولی را بیک بده تقسیم کنیم.

ممکن است یک عدد از آقایان همزای بدهند که این پول ارباب تقاعد را بین یک عده تقسیم کنند.

ولی بنده مخالفم بعلاوه قانون بودجه که نوشته می شود.

برای خرج هر پولی یک محل معینی در بودجه برایش پیش بینی میکنند.

بنده مخصوصاً از آقای معاون وزارت مالیه سوال میکنم که ببنده نشان بدهند کدام ماده از قوانین موضوعه بیاچه مجوزی بنا اجازه می دهند که پول یک عده مستخدمین که در نتیجه خدمت بدولت پیر و فرودند میشوند ورثه پیدا میکنند و بالاخره متقاعد میشوند و از حقوق خودشان دولت صد پنج یا صد هفت یا صد ۳ برمی دارد که بعد از ۲۵ سال خدمت بخودشان با پولادشان بدهند تا از گرسنگی نمرند آن وقت بچه مجوز این پول آنها را بیک اشخاص دیگری می دهیم.

بنده خیال میکنم مجلس هم نمیتواند همچو قانونی وضع کند پولی که مال دیگری است و باید بیک جایی برای آنها ذخیره شود تا بعد از مدتی بخودشان مسترد شود آن وقت بیک اشخاص دیگری داده شود.

قانون استخدام همچو قرار داده که بیک تناسمی یک پولی از مستخدم دولت کسر شود و در صندوق تقاعد ضبط شود و پس از مدتی که برش باور بدهند بهر روز تا که سنگی نگیرد.

الان شما می خواهید این پولی که دارد تهیه میشود بموجب یک ماده قانون بردارید و بیک اشخاص دیگری بدهید.

بنده تصور میکنم هیچ مجوزی در این جا باین حق را ندهد.

بنده عرض میکنم اگر این ترتیب بشود ارباب تقاعد باید بروند و بخواهند دیگر

حقوق تقاعد موقوف خواهد شد و هر وقت که از دولت در همین مجلس سؤال شود که آقای برای چه حقوق تقاعد فلان عضو یا فلان مستخدم را دادید؟

جواب خواهد داد که شما خودتان قانون گذرانید که به فلان عده داده شود دولت هنوز این پول را پس نگرفته و محل دیگری هم نداریم که ارباب تقاعد بدهیم آنوقت بنده چه جواب عرض کنم.

زیر این قانونی است که خود باورهای داده ام.

جواب است یک مجوزی بانشان بدهند که بوجوب آن حق داشته باشند که این پول را که محل معینی دارد بمحل دیگری برسانند و بیک عدل و لوطی خود کنند.

بنده مخصوصاً موادی در این لایحه چند روز پیش دیدم و مطالعه کردم بطور فارسی و ساده عرض میکنم که همین موارد اجازه می دهد این پول لوطی خود شود.

معاون وزارت مالیه فرمایشات آقای شیروانی در مقدمه از باب اینکه تصور بشود منظور دولت این است که یک بانک فلاحتی تأسیس نماید و یک همچو ترتیبی که اختیار شده است که آیت از مقصود نمیکنند.

بنده در جوابشان عرض میکنم که مقصود دولت تأسیس بانک فلاحتی نیست البته خیلی اسباب خوشوقت است ازین تذکری که نماینده محترم می دهند ازین که بانک فلاحتی محل احتیاج است و باید در ملکت باشد شاید هم همین تذکرو تشویقات سبب شود که دولت تعدیلاً در صدر باشد که این نظریه را تأمین کنند یعنی موقمی که اسباب موجود در دولت یک بانک فلاحتی تأسیس کنند.

ولی علی العجابه این مبلغی که در نظر گرفته شد یک مبلغی نیست که وقتاً بوقت برای یک همچو مصرفی مثل تأسیس بانک فلاحتی.

گذشته از اینکه بانک فلاحتی یک شرایط و مقرراتی باید داشته باشد که این موادی که در این لایحه نوشته شده است برای آن مسئله خیلی ناقص است و امیدوارم در فاصله نزدیکی مداخلات تأسیس بانک فلاحتی تهیه و تقدیم همین مجلس بشود و گفته شود که ایجاد بانک فلاحتی اسباب فراموش شده است لیکن علی العجابه مقصود اینست که یک اصلاحی در امر زراعت با اندازه که مقدور توانست بشود.

البته اصلاح امر زراعت را هیچ نمی شود تردید کرد که لازمت و منکر هم نخواهیم بود بر اینکه در واقع اول کار است در ملکت و مواد اولیه است در زندگانی و بهر اندازه که امر زراعت و فلاحت پیشرفت و توسعه پیدا کند واضح است که سایر مسائل اقتصادی ما در دنباله آن اصلاح

خواهد شد.

بنابر این البته مجلس و دولت سعی خواهند داشت باینکه امر زراعت را با سرمایه قلمی که فعلاً در دست دارد بقدر میسر و هر قدر بتوانند یک توسعه بدهند.

اما اینکه فرمودند این سرمایه و این عمل از محل وجوه تقاعد می شود با فرض اینکه حقوق تقاعد ازین می رود.

این یک مسئله ایست که بنده تصور میکنم خوب توجه نشده است با اساس مطلب و مواد این لایحه قانون استخدام مخصوصاً تیر کرده است که وجوه تقاعد به هیچ خرجی نباید برسد.

بنده باید عرض کنم که این لایحه عبارت از خرج نیست. این لایحه عبارت است از یک عملی که دولت بوسیله مازاد وجوه تقاعدی که در صندوق تقاعد موجود شده برای اصلاح یک امری میکند و باز بمساز مدتی همین این وجوه را بر میگرددانه به صندوق یعنی از زمانی که دولت بخواهد از وجوه تقاعد با این شرایطی که در این لایحه ذکر شده است و به تصویب مجلس برسد تا موقمی که این وجوه تقاعد بصندوق برگردد موردی پیدا نخواهد شد که هر گاه یکی از اعضاء دولت مستحق اخذ حقوق تقاعد باشد پول برای آنها نباشد و در موقمی که باید وجوه تقاعد با اعضاء متقاعد داده شود از صندوق داده میشود.

آنچه در اینجا در نظر گرفته شده است در واقع عبارت است از یک مبلغی که ما فرض کنیم علی العجابه محل احتیاج نیست یعنی مقصودمان اینست که میتوانیم هم صندوق تقاعد را نگاه داریم و هم از مبلغی که اضافه است و محل احتیاج نیست با اجازه داشتن بدست زدن بآن بصرف برسانیم بدیعی است که بکنفر مستخدم دولت را که چندین سال خدمت کرده و عمری را بیابان رسانیده و بموجب قانون متقاعد شده است و رماش او هم منحصر به همان حقوق تقاعد است که باید بار داده شود همچو در نظر در و او این.

البته نظریه اینست که آنچه را که تصور میشود محل احتیاج نباشد از صندوق تقاعد باین مصرف برسد.

بنابر این بنده هیچ اشکالی نمی بینم در اینکه از وجوه تقاعد ما میتوانیم آن مبلغی را که برای این مصرف بنظر رسیده است صرف کنیم و اگر فرض کنیم که می شود همین وجوه تقاعد را بمصارف دیگری رساند (چنانکه اشاره فرمودند) از قبیل ساختن مجاری آبها یا بسن یک سد مثل سد اهواز که بالنتیجه یک اصلاحی در امر فلاحت و زراعت میکند این البته خوبست و واقعاً خوب فکری است و باید تشخیص داد که بچه مصرف اگر برسد نتیجه اش زودتر

فایده میشود.

ولی این منظور آقایان منظور است که ما داریم تفاوت داد و تفاوت آن این است که بعضی مصارف هست که یک مقدار از هنگفتی لازم دارد مثلاً برای اصلاح سد اهواز گمان میکنم که فلان مبلغی که از صندوق تقاعد میخواهیم باین مصرف برسانیم شاید وفا نکنند به اصلاح آن سد و بعلاوه ساختن مجاری کلبه آنها در ملکت یکی از اصلاحاتی است که باید در اقتصاد ملکت بعمل بیاید برای اینکه امور فلاحتی و زراعتی یک اساس محکم دائمی مرتب بشود.

علی العجابه منظور از تقدیم این لایحه جلوگیری از میان رفتن یک عده زارعین و فلاحین و ملاکین و جلوگیری از میان رفتن یک قسمتی از اراضی و نواحی فلاحتی است که اگر امروز در واقع اقدام باین امر نشود آن چیزی که در آتی ما شاید پامیلوهای نتوانیم اصلاحش کنیم امروز از این خواهد رفت.

اینست که دولت هم از نقطه نظر صلاح لایحه ذکر شده است و به تصویب مجلس برسد تا موقمی که این وجوه تقاعد بصندوق برگردد موردی پیدا نخواهد شد که هر گاه یکی از اعضاء دولت مستحق اخذ حقوق تقاعد باشد پول برای آنها نباشد و در موقمی که باید وجوه تقاعد با اعضاء متقاعد داده شود از صندوق داده میشود.

آنچه در اینجا در نظر گرفته شده است در واقع عبارت است از یک مبلغی که ما فرض کنیم علی العجابه محل احتیاج نیست یعنی مقصودمان اینست که میتوانیم هم صندوق تقاعد را نگاه داریم و هم از مبلغی که اضافه است و محل احتیاج نیست با اجازه داشتن بدست زدن بآن بصرف برسانیم بدیعی است که بکنفر مستخدم دولت را که چندین سال خدمت کرده و عمری را بیابان رسانیده و بموجب قانون متقاعد شده است و رماش او هم منحصر به همان حقوق تقاعد است که باید بار داده شود همچو در نظر در و او این.

البته نظریه اینست که آنچه را که تصور میشود محل احتیاج نباشد از صندوق تقاعد باین مصرف برسد.

بنابر این بنده هیچ اشکالی نمی بینم در اینکه از وجوه تقاعد ما میتوانیم آن مبلغی را که برای این مصرف بنظر رسیده است صرف کنیم و اگر فرض کنیم که می شود همین وجوه تقاعد را بمصارف دیگری رساند (چنانکه اشاره فرمودند) از قبیل ساختن مجاری آبها یا بسن یک سد مثل سد اهواز که بالنتیجه یک اصلاحی در امر فلاحت و زراعت میکند این البته خوبست و واقعاً خوب فکری است و باید تشخیص داد که بچه مصرف اگر برسد نتیجه اش زودتر

فوائد عامه در نظر گرفته اند که انشاء الله بتدریج با سرمایه کافی باید شروع کنند بنسبت استقامتی که عجلاناً در دست است و اینکه میفرمایند مکرزاهات و حالت حالیه رعیت را باید کرد اتفاقاً همین لایحه پیشنهادی عبارتست از یک مقدار از همان فکر اصلاحی که باید بحالت حالیه رعیت باشد.

اگر اتفاقاً امروز که مسئله ارزاق و مسئله جمع آوری جنس و حمل و نقل از نقطه نقطه دیگر قدری در بعضی جاها مشکل بوده و در بعضی جاها آسان و شاید هم یک ماموری در یک جایی بوده است که اتفاق افتاده که باینی از عهده وظایف خودش بر نیامده بهتر اینست که اینرا دلیل کلی در مجمع امور قرار ندهیم.

آقایان بهتر میدانند که اوضاع جنس و آذوقه که ارزاق هذالست مخصوصاً اطراف تهران از چه قرار بوده است و دولت ناچار بوده با تمام مصاعی که به کار برده است اگر در یک موقمی اتفاق بیفتد که آن رفاهت نامیکه برای افراد مردم منظور است بعمل نیامده باشد وقتی الجملة کسر آمده باشد ناچار است برای صیانت عمومی و تهیه ارزاق نه برای تهران تنها بلکه برای کلیه ولایات که باید از نقطه نقطه دیگر برسانند باید با کمال جدیت مازاد جنس را که در دست اشخاص است بگیرد.

البته از بعضی نقاط اتفاق افتاده است که شکایت کرده اند و شاید هم یکی دو مورد رعیت آنهم این بوده که مامورین دولت فرض کرده اند جنس از میزان خوراک محل بیشتر بوده و بقدر کمایات محل بآنها داده نشده.

برای رفع این قسمت متعالیهای زیادی هم روزی بولایات فرستاده شده و اغلب از نمایندگان محترم هم میدانند که حتی مامورین مخصوص هم فرستاده شد و تأکید شده که مقدار بقدر و مقدار خوراک محل را در خود محل بگذارند و مازاد آنرا حمل کنند.

از نقطه نقطه دیگر و صرف نظر از این مسائل امیدوار هستم در ظرف همین ایام این سختی هم که بنظر می آید نسبت به احیان جنس و مالکیتی عمل شده است انشاء الله تمام بشود و آسایش نامی از حیث ارزاق چه برای تهران و چه برای سایر نقاط فراهم شود.

بطور کلی منظور بنده این بود که خاطر نمایندگان محترم را مستحضر بدارم از این که وجوه صندوق تقاعد بدون رعیت اینکه اعضاء متقاعد و مستخدمین متقاعد ملکت حقوق خودشان را در موقمی اخذ کنند بچه مصرفی نخواهند رسید و

آنچه بصرف میرسد از آن مقدار وجوه هست که علی العجابه محل احتیاج نباشد و برای دادن و گرفتن این وجوه هم تصور میکنم اگر یک مراجعه بمواد بودی که این جاذب کرده بفرمایند خواهند فهمید که یک دینار از این دجوه از بین نیرود و تماماً برمی گردد بصندوق تقاعد و ضمناً هم کشتایشی برای اشخاصیکه در مضیقه سرمایه و امور شخصی واقع شده میشود.

لذا تصور میکنم از لویاییکه هم میتواند تمهیل کند امورات دولت را نسبت بامر زراعت و مالیات و هم آسایش بدهد و نگهداری بکند از اهالی همین لایحه باشد.

رئیس - آقای آقا ضیاء مخالفید.

آقا ضیاء - بلی.

رئیس - بفرمائید.

ضیاء - بنده با اساس لایحه موافق هستم ولی فقط در تنظیم و طرز عبارت ماده دو هفت نظری دارم که در ضمن شور در مواد پیشنهاد خواهد کرد که از دستور خارج شود.

رئیس - پس مورد ندارد.

ضیاء - در ضمن کلیات ممکنست گفته شود ولی بنده میخواهم اص این مذاکرات طرح شود و تذکر میدهم خاطر مبارک آقایان نمایندگان را که مطالعه بفرمایند تا در ضمن شور در مواد اصلاح شود.

رئیس - آقای اخگر (اجازه).

اخرگر - بنده موافقم.

رئیس - بفرمائید.

بعضی از نمایندگان - ایشان مخالفند نکردند.

اخرگر - ایشان بتوان مخالف که حرف زدن خواه کم حرف زده باشند یا زیاد فرق نمیکند.

بنده توضیحاً عرض میکنم که در سال گذشته بنده یک پیشنهادی کرده بودم که برای رعایت امور زراعتی و فلاحتی یک کروڑ تومان از طرف دولت بفلاحین و زراعین فرض داده شود و گمان میکنم بلکه یقین دارم که اگر آن پیشنهاد بنده به موق عمل آمده بود وضعیت ارزاق بلوکات اطراف تهران باین ترتیب نمیشد اسباب زحمت برای تمام ایران بشود.

اولاً باینی این نکته را در نظر گرفت که کار فلاحت منوط مربوط بداشتن سرمایه است و تا سرمایه برای ملاح و وزراع موجود نباشد و تا وسائل و وسایطی برای کار کردن نداشته باشند نمیتوانند کار کنند و وقتی که کار نکردند چیزی فایده آنها نمی شود که خودشان بتوانند زندگی کنند چه بسا باینکه بوسیله دست درج آنها سایرین بتوانند معاش کنند.

با گامی که پارسل در این ملکت اتفاق افتاده و شاید امسال هم یک قدری در بعضی جاها این مرض اثرش را دارد ابراز میکند آقایان سابقه دارند و بارسال در موق برداشت محصول مشاهده فرمودند که هیچ چیز گیر زارع نیامد و امسال هم زمینها که زارع بتوانند خودشان نگاهداری نمایند و ادامه بچایش بدهند نیست.

بنده تعجب میکنم چطور آقایان مخالفت می کنند و یک پولی که عجلاناً هیچ مصرف ندارد و بیکار مانده این پول را بلا مصرف بگذارند و ندهند بزارعین که هم ادامه زندگانی شان بدهند و هم بتوانند کار کنند که سال دیگر وضعیت ارزاق باین سختی نباشد.

اساساً باید فهمید که چرا آقایان نمایندگان ولایات شکایات دارند. بنده عرض می کنم برای اینست که میخواهند جنس را از آن نقاط حمل بکنند. ان نماینده برای اینکه امسال جنس در طهران عمل نیامده است و امسال هم اگر بنشود که مسائل زراعت بدست زارعین و فلاحین داده نشود سال دیگر وضعیت نان البته بهتر از این خواهد شد.

اگر لازم است باین شکایتها خاتمه داده شود راه عیش اینست که این پول بیکاری که در اینجا هست و مورد احتیاج نیست بدهند بزارعین که آنها بتوانند وسایلی در محل احتیاج زراعتشان است تهیه کنند و کار کنند و برای اینکه سال دیگر بمانان بدهند.

آقای شیروانی فرمودند که مهم خیلی است چطور شده بین اینکارهای مهم اینکار

بنده عرض میکنم هر وقت بطرف هر اصلاحی بخواهیم قدم بگذاریم خواهند گفت کار مهمتر از اینهم هست.

همین کار مهمی را هم که خود آقای شیروانی میفرمایند اگر بنشود بصورت لایحه توی مجلس آمد باز یکی دیگر بر میخورد و میگوید کار مهمتر از اینهم هست بالاخره باید اینکارهای مهم را انجام داد یا نه؟ چه کاری مهمتر است از اینکه حیات زارعین و فلاحین که باید از دسترنج و زحمت خودشان بیدگران نان بدهند آ این شود؟ وقتی که بنشود زراعت بد شود هم زارع و فلاح در زحمتند و هم اینکه بطور غیر مستقیم این زحمت بتمام مردم ببارساند وارد می شود و این پولی که گذاشته شده است در صندوق تقاعد برای اینست که اگر یک روزی یکی از اعضاء ادارات رسید بعد تقاعد یک پولی از این صندوق بهش بدهند و چنانچه آقای معاون وزارت مالیه هم فرمودند ملاحظه و رعایت این قضیه شده است که اگر احیاناً یک نفری متقاعد شد و خواستند باو یک حقوقی بدهند محل پرداختش باشد و چیزی که برای این کار پیش بینی

شده است مازاد احتیاجی است که شاید بیش بیاید.

بنابر این چرا یک پولی باین ترتیب بیکار بماند و بفلاح و زراع داده نشود که دوباره پس بگیرند و بگذارند سر جایش؟ یک فرمایشی آقای شیروانی فرمودند که بد نیست بنده اینجا عرض کنم.

بنده بادم هست که همیشه آقای شیروانی راجع با جفافات مأمورین مالیه شکایت می فرمودند که وزارت مالیه همیشه زیادتر از حد مالیات از مردم میگیرد ولی حالا می فرمایند مالیه نمی تواند پولش را از مردم پس بگیرد.

چطور می شود وزارت مالیه با وسایط و شرایطی که در اینجا ذکر شده است و آقایان مطالعه می فرمایند نتوانند پول خودش را پس بگیرد؟

البته بیک اشخاصی پول خواهند داد که بتوانند از شان پس بگیرند. در این قسمت گمان می کنم خود آقای معاون وزارت مالیه تمهید بفرمایند که بتوانند پس بگیرند و هیچ تشویشی هم در بین نباشد پس بهتر اینست یک پول بیکاری که حالا داریم بدهیم بیک مردمی که گاو بخرند و زراعت کنند و در سال دیگر نان باهل این ملکت بدهند. در این صورت تصور می کنم مخالفت باین لایحه موردی نداشته باشد.

رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه).

شریعت زاده - موافقم.

رئیس - آقای دست غیب (اجازه).

دست غیب - موافقم.

دامغانی - بنده قبلاً اجازه خواسته بودم رئیس - نسبت بپواد اجازه شما مقدم است.

(جمعی از نمایندگان اظهار نمودند مذاکرات کافی است و بعضی گفتند کافی نیست)

کازرونی - اجازه می فرمائید بنده مخالفم مذاکرات هم کافی نیست؟

رئیس - عده برای رای گرفتن کافی نیست کازرونی - پس اجازه بفرمائید بنده مخالفم.

رئیس - مخالفید بفرمائید.

کازرونی - بنده داشتم فکر میکردم که وزارت جلیله مالیه را چه چیز وادار کرده که این لایحه را پیشنهاد بکند.

بعد از فکر زیاد چیزی که بخیرال رسید این بود که ملت کسی نان و آن تضییقاتی که فعلاً موجود است و در ضمن صدائی از ولایات در اثر تضییقات مأمورین مالیه بلند است تقاعد یک پولی از این صندوق بهش بدهند و چنانچه آقای معاون وزارت مالیه هم فرمودند ملاحظه و رعایت این قضیه شده است که اگر احیاناً یک نفری متقاعد شد و خواستند باو یک حقوقی بدهند محل پرداختش باشد و چیزی که برای این کار پیش بینی

خوبی بفرمایش آقای اخگر میکنند...  
 اخگر- هیئتوزار هم هست  
 گازرونی- که يك مرتبه مملکت را  
 اسباب نماید و بنده تصور میکنم اصل و  
 منشأ فکر تقدیم این لایحه این بوده که  
 بعرض آقایان رساندم.  
 لیکن متأسفانه قطعاً این لایحه نه  
 برای زارعین فایده دارد و نه برای  
 ملاکین زیرا اگر بنا شود (یک ملک هادی  
 که برای پس دادن پول حاضر باشد)  
 نه مثل مدیونین بانک دولتی، چنانکه خودمان  
 اطلاع داریم که هر کدامشان برای ندادن  
 پول چه وسائلی تهیه کرده و میکنند اینها  
 را استثناء کنید.  
 آنهاییکه قطعاً خیال داشته باشند  
 پول را بدهند هیچ وقت نمی آید هیچ  
 فرضی بکنند که يك ملكي داشته باشند  
 هزار تومان و این ملک را به هزار تومان رهنی  
 بگذارند و اگر چنانچه مدتش هم منقضی  
 شد ملک را از دست آنها قبضه کنند و بعد  
 خودشان بفروشند. هیچ مالکی همچو کاری  
 نمیکند.  
 مگر دیوانه باشد و اگر دیوانه باشد که  
 معامله شخصی شرعاً و عرفاً جایز نیست  
 دست غیبی اینطور نیست  
 گازرونی - اجازه بفرمائید. قربانت  
 بروم استفاده میکنم بعد فرمایشات را بفرمائید  
 بنده هم استفاده میکنم اگر يك کسی همچو  
 ملكي داشته باشد و باین ترتیب بخواهد  
 رهنی بگذارد پول دهنده بسیار است یعنی  
 يك ملكي داشته باشد هزار تومان قبضت  
 باشد بخواهد با بیع شرط بگذارد و تنزیل  
 را هم بدهد پول دهنده خیلی زیاد است هم  
 خودش آدم عادی است و هم طرف و مکرر  
 اتفاق افتاده که یکی دو سال هم از مدتش  
 گذشته معذک پولش را داده و ملك  
 خودش را پس گرفته و هیچ چیز هم واقع  
 نشده  
 بنابراین یک نفر آدم عادی همچو قوت  
 نمی آید يك همچو پولی ترش کند برای  
 اینطور مردم که فایده ندارند و بیکارشان نیهمورد  
 پس برای کسی خوب است؟  
 حالاً بنده نمیتوانم اشخاص را معرفی  
 کنم که از این پول میتوانند استفاده کنند  
 یا نه؟  
 همین قدر بطور کلی میدانم از مقوله  
 همان اشخاصی هستند که مدیون بانک دولتی  
 هستند که مدتی است اصل و فرع پول از بین  
 رفته و بانک نتوانسته است از آنها چیزی  
 بگیرد و حال آنکه يك معامله تجارتمی عادی  
 است.  
 آقای معاون وزارت مالیه فرمودند  
 این وجه کافی برای بانک نداشتی نیست و لكن  
 علی الحساب برای قرض دادن بیک عدد مردم  
 بد نیست که بروند مشغول فلاح و زراعت  
 بشوند و در نتیجه اجاب توسعه زراعت  
 بشود.

بنده عرض میکنم بیچارگی مردم تنها  
 از این نیست که پول ندارند زراعت کنند  
 بلکه بواسطه این است که پدرشان گرفته  
 میشود و ملکشان را باسم اینکه خالصه  
 است ضبط میکنند و بواسطه تعیناتی است  
 که در موقع اخذ مالیات نسبت به آنها میشود  
 که خانه ولانه خود را میگذارند و فرار  
 می کنند.  
 اگر وضع اینطور باشد که بنده عرض  
 میکنم هیچ زارعی جرئت اقدام بزراعت را  
 ندارد شخص زارع بعد از اینکه حاصلش را  
 برداشت و مالک حاصلش نبود دیگر بچه امید  
 می آید زراعت کند  
 زیرا نه مالک تعیین قیمت جنش است  
 است که خودش تعیین بکند و نه مالک  
 فروش و نقل و انتقالات است بلکه تمامش  
 ضبط میشود  
 این است اسباب بدبختی ما از حیث  
 فلاح و زراعت و الا این مملکت همان  
 مملکتی است که همیشه زراعت و فلاح  
 داشته و در هر صورت در صورتی که هر روز  
 مایول جهت بانک نداشته باشیم با این مبلغ  
 جزئی سزاوار نیست ما باینهم و يك اداره  
 در مالیه برای اینکار ترتیب بدهیم و يك  
 اشخاصی وثیت و ضابطههایی استفاده کنیم  
 يك فباچانی بدست بیادیم که به بنیم  
 کیست که يك ملكي دارد که هزار تومان  
 قبضت است و می آورد رهن میگذارد  
 هزار تومان  
 بنده این ترتیب را فوق العاده بفرمائید  
 میدانم هیچ نتیجه هم نخواهد داشت و  
 همانطور که رفیق محترم من آقای شیروانی  
 اظهار کردند اگر حقیقتاً وزارت مالیه در  
 نظر دارد که این پول معطل را بجای لازمی  
 مصرف کند خوب است صرف يك چیز  
 اساسی بکنند که خودش هم تصدی رضامن  
 او باشد و متضمن نفع عمومی هم باشد يك  
 همچو معطلی را در نظر بگیرد و این پول را در  
 آنجا خرج بکند  
 لیکن وارد معامله داد و ستد و بیع و  
 شری و بیع و سود و این قبیل چیزها شدن  
 اصلاً کار دولت نیست اینکارها با کار بانک  
 است یا او مردمان عادی دولت چه کار  
 دارد باین کارها علاوه يك چیز غریبی هم در  
 این لایحه دیدم  
 دولت در ضمن لایحه که تقدیم میکنند  
 مینویسد بعضی که در اراض قرض دریافت  
 میشود چنین و چنان است ربح آنهم در  
 مجلس شورای ملی؟ اینکه معنی ندارد  
 پس بگوئید اجازه چه راجع مینویسید؟  
 یک نفر از نمایندگان - بلی  
 اجازه  
 گازرونی - البته آقای ربح معنی ندارد  
 باید بزرسید مال الاجاره فرق بین کلمه  
 نفی و اثبات همان نفی و اثبات است وقتی که  
 مال الاجاره نوشتیم درست میشود وقتی  
 که ربح نوشتیم غلط است این را عرض میکنم

که خیلی مراتب باشد اینها بزن گداهانی  
 است که باید علاوه متدعا خیلی مراقب  
 باشند.  
 آقای معاون مالیه فرمودند انشاء الله  
 فریبآور نتیجه این عمل این شکایت هائی که  
 میرسد خاتمه پیدا میکند بنده هم میدانم  
 در آتی چیزی از برایشان باقی نیست نه زراعت  
 باقی است و نه تخمی دارند و نه ملكی و  
 نه کشتی.  
 دیگر شکایت برای چه بکنند خوب  
 دیگر بیش از این چیزی عرض نمیکنم سایر  
 آقایانهم اجازه خواسته اند  
 رئیس- آقای نظامی  
 (اجازه)  
 یک نفر از نمایندگان - نیستند  
 رئیس- آقای محمد هاشم میرزا  
 محمد هاشم میرزا بنده مخالفم  
 رئیس- شادار ستون موافقین امضاء  
 کرده اند  
 محمد هاشم میرزا خبر بنده مخالفم ممکن  
 است اشتباه شده باشد  
 رئیس- آقای دستغیب  
 (اجازه)  
 دستغیب- کلمه اول عرض بنده کلمه  
 اخیر فرمایش آقای گازرونی است فرمودند  
 که علاوه متدعا ربح را باید مال الاجاره  
 بگویند البته کسی هم حق ندارد ربح بگوید  
 هیچ کس هم مقبوضه ندارد باین که کلمه در  
 یکی از مواضع ثبت شود  
 اما راجع باصل قضیه بنده بدرجه باین  
 قضیه عقیده مند هستم و معتقدم که مسئله اصلاح  
 املاک ایران موقوف بر این لایحه است که  
 شاید اگر اشتباه نکرده باشم و اتفاق نگفته  
 باشم آبادی عشر املاک بعضی از شهرهای  
 ایران بواسطه همین لایحه است  
 اما راجع بفرمایش آقای شیروانی که  
 بنده لازم عرض میدادداشت کرده ام فرمایشاتشان  
 اغلب مخالف باهم بود برای خاطر اینکه  
 یکجا می گفتند پول مال غیر است پول مردم  
 راجع جهت وجه حق باینهم خرج کنیم  
 و موضوع خرج برایش بتراشیم ولی بعد  
 خودشان در يك جای دیگر معطل دیگری  
 برایش معین کردند از قبیل صد اهواز  
 و غیره.  
 بنده عرض میکنم اگر نمیتوانیم این  
 پول را خرج بکنیم پس چرا خودتان برایش  
 خرج درست کردید پس معلوم می شود  
 می توان بر این پول بفرمایش خودتان خرج  
 درست کرد - نهایت این است که ایشان  
 میفرمایند در اینجا خرجش موضوع  
 ندارد.  
 پس علی ای تقدیر در این که يك قسمت  
 از فرمایشاتشان مخالف يك قسمت دیگر  
 از بیاناتشان بود معطل حرف نیست  
 آقای آقا شیخ فرح اله ساله اله التالی  
 میفرمایند - آن کان ولاید که تفسیرش  
 بقارسی این می شود که اگر لابد بشورم

آن کان ولاید را آقای شیروانی فرمودند  
 فرمودند خوب است آنجا را مقدم بر اینجا  
 بداریم - ایشان صلاح دیدشان این طور  
 است  
 بنده عرض میکنم اینجا مقدم است  
 اما فرمایش اخیر آقای گازرونی که فرمودند  
 نداریم همچو مالکی که بیاید پول بگیرد  
 ملکش را اگر بگذارد یا بیع شرط  
 بگذارد.  
 بنده عرض میکنم الان سه چهار  
 هریضه اش پیش من است که حاضر شده است  
 زارع بیچاره که میگوید پول بدهید تا من  
 ملك خود را آباد کنم.  
 وزارت مالیه هم ریشه نوشته است  
 که ملکم خراب است بیاید پول بدهید  
 تا من ملکم را آباد کنم و اگر هم خدای  
 نخواسته من خلاف امانت رفتار کردم پول  
 را ندارم اصل ملك را بیع شرط  
 میگذاریم  
 از این قبیل اشخاص خیلی هستند که  
 ملك دارند ولی پول ندارند که خرج کنند  
 يك پولی میخواهند از يك جانی قرض کنند  
 خرج ملکشان کنند  
 آقای گازرونی فرمودند باین ترتیب  
 خیلی هستند که قرض میدهند بنده عرض  
 میکنم اگر بودند نمی آمدند متوسل و مشت  
 بدوات بشوند پس چون کسی نیست از این  
 جهت بدوات متوسل شده اند  
 رئیس- آقا عدل برای مذاکره کافی  
 نیست چند دقیقه تنفس بشود  
 (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل  
 و پس از يك ربع ساعت مجدداً تشکیل  
 گردید)  
 معاون وزارت عدلیه- پیشنهادی است  
 راجع بتشکیل صلحهای نواحی که با  
 موافقت وزارت مالیه تهیه شده تقدیم مجلس  
 شورای ملی میکنم  
 رئیس- یک کمیسیون بفرستید که ارسال خواهد  
 شد بعد برای مذاکره و رای کافی نیست.  
 بنابراین جلسه ختم می شود  
 جلسه آینه حساب الیه مول روز سه شنبه  
 سه ساعت و نیم قبل از ظهر دستور هم دستور  
 امروز  
 (مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم  
 شد)  
 رئیس مجلس شورای ملی  
 سید محمدتدین  
 منشی- شهاب  
 منشی- علی خطیبی

**جلسه دوست و پانزدهم صورت مشروح مجلس سه شنبه نوزدهم آبانماه ۱۳۰۴**  
 مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر  
 بریاست آقای تدین تشکیل گردید  
 (صورت مجلس یکشنبه هفدهم آبانماه  
 را آقای میرزاشهاب قرائت نمودند)  
 رئیس- آقای حاج حسن آقا ملک  
 (اجازه)  
 حاج حسن آقا ملک عرضی ندارم  
 رئیس- آقای میرزائی  
 (اجازه)  
 میرزائی - قبل از دستور عرضی  
 دارم.  
 رئیس- آقای آقا سید یعقوب  
 آقا سید یعقوب قبل از دستور عرضی  
 دارم.  
 رئیس- آقای حاجری زاده  
 حاجری زاده بنده راجع بدستور عرضی  
 دارم.  
 رئیس- آقای افشار  
 افشار- در دستور عرض دارم  
 رئیس- نسبت بصورت مجلس اعتراضی  
 نیست؟  
 (گفته شد: خیر)  
 رئیس- صورت مجلس تصویب شده.  
 آقای میرزائی  
 (اجازه)  
 میرزائی- در روز جاریه مرکز را که  
 مطالعه میکردم نگارنده معتزم روزنامه  
 کوشش شرح اظهارات آقای حاج حسن  
 آقا ملک نماینده محترم را طوری در روزنامه  
 درج کرده بودند که برای خوانندگان  
 ممکنست تولید سوء تفاهم کند و تصور  
 کنند که رقبه آستانه را بنده از بین  
 بردم.  
 خواستم تذکره کرده باشم که سوء  
 تفاهم برای خوانندگان آن روزنامه پیش  
 نیاید و تقاضا کنم که جرایم يك قدری دقت  
 کنند و همانطور که جریده شریه ستاره  
 ایران عین مطالب آقای حاج حسن آقا  
 ملک را درج کرده بود خوب بود ایشانهم  
 عین مطالب را درج میکردند که بی جهت  
 اسباب توهین برای یک نفر فراهم نشود  
 در ضمن هم لازم میدانم يك تاریخچه  
 مختصری از ملت خرابیهای آستانه که درین  
 مدت فراهم شده بعرض آقایان برسانم  
 گرچه بنده میبایستی بقیه میقدم  
 بوی این اظهارات راجع به خرابیهای  
 آستانه لیکن چون چهار سال است که  
 بواسطه جدت والا حضرت بهلوی اهتمامی  
 در امر اصلاحات آستانه شده و در نهایت  
 خوبی مشغول بجزایر اصلاحات آستانه  
 هستم بنده هم میدانم درین باب عرض بکنم  
 ولی حالاً که بریریم تاریخچه مختصری از اوضاع

آستانه را بعرض برسانم. آستانه از زمان  
 سلطنت احمد شاه باین طرف شروع شده  
 و هات آن هم این بود.  
 اولاً اینکه در مرکز و بر جاهها بنده  
 میشود که آستانه سالیه که در بیست و کرد  
 عایدات دارد اینطور نیست.  
 آستانه در سال صد و هفتاد هزار تومان  
 نقد و یازده هزار خروار جنس سکل  
 عایداتش است و علت خرابی آستانه هم این  
 بود که تولیت هائی را که از مرکز فرستادند  
 با آستانه زمان سابق حتی خرج راه آنها را  
 هم می دادند و وقت می کردند که يك مردمان  
 صحیح العمل و متدینی را بفرستند چنانکه  
 عضد الملک مرحوم که تولیت آستانه را دارا  
 بوده شنبه که يك قهوه خورده بود و دیده  
 بود که این را ذی حق نیست يك اعرسی  
 جریه داده بود که يك قهوه بی جهت و بدون  
 حق شرعی خورده بود  
 ولی اخیراً تولیت های آستانه مثل حکام  
 وولائی بود که بسیار جاهل میفرستادند  
 هراج میگذشتند هر کس که زیاد تر می داد  
 تولیت را باز میدادند حتی اخیراً تقدیمی  
 تولیت آستانه رسیده بود در سال بیست هزار  
 تومان.  
 چهار هزار تومان هم باهضاه دربار  
 میدادند در سال پنجشش هزار تومان هم  
 آنکسی که تولیت آستانه را قبول میکرد  
 (حالا خوشبخت یا بدبخت چه عرض کنم)  
 مجبور بود هر روز يك نفرستد برای اجزای  
 دربار که مقامش محفوظ باشد - حالا ملاحظه  
 بفرمائید بیست هزار تومان تقدیمی داده  
 و چهار هزار تومان باهضاه دربار داده و شش  
 هزار تومان هم هدیه فرستاده این سی هزار  
 تومان تولیت آستانه هم اقلامی هزار تومان  
 خرج دارد این چهل روزه هزار تومان  
 اندوخته آتی هم باید بکنند حالاً این شخص  
 چه باید بکند.  
 قریز اینست که باید آستانه را بر بار  
 دهد که پولها را بیاورد اولاً صریح عرض  
 میکنم مستخدمین آستانه هیچ وجه مسئولیت  
 ندارند و هیچ وجه متصرف نیستند برای اینکه  
 هیچ کاری در دست آنها نیست.  
 بنده که یک نفر را که آستانه هستم و  
 سمت جارد بکشی افتخاری آستانه را دارا  
 هستم شغل بنده هم در پنج شب يك شب چراغ  
 گذاشتن روی ضریح مبارک و شمع روشن جلو  
 زوار است اگر تصور بفرمائید در اجاره و استجاره  
 و کارهای آستانه يك ذره بنده و امثال بنده  
 دخالت داشته باشیم ایداً.  
 دلیل هم بر عرض اینست که خود بنده  
 يك نفر از اشخاصی هستم که حق مشروعه منتهما  
 است پایمال شد. یکی از موقوفات آستانه  
 چشمه که است که شاه عباس وقف بکنند  
 برای مصرف کارخانه زوار عالی مقام رس کار  
 قبض آثار.  
 تولیت آنرا هم با میرزا الخ جد  
 اهلاى بنده قرار می دهد که پسر میرزا حسن

داماد خود شاه عباس است و بعد از آن هم  
 تولیت را واگذار میکنند بولاد کور و انات  
 ساهاست که در زمان سلطنت قاجاریه این  
 حق التولیه مشروع فامیل مارا از بین میرند  
 بصرف اینکه تولیت از طرف اعلیحضرت  
 میامد و معتقد بود ما هم مستخدم و زورمان  
 نمیرسید.  
 در دو سال قبل که بنده متصرف بنامندگی  
 شدم از طرف مشهد و بطهران آدم امیل  
 بنده عموما يك وکالتی بمن دادند که بیایم  
 در مرکز احقاق حق آنها را بکنم. با  
 اقتدار والا حضرت بهلوی و اقداماتی که درین  
 دو ساله بنده کرده ام و دستخطهای متعددی  
 که از طرف والا حضرت بهلوی صادر شده  
 و فرستاده شده بشهد هنوز حق التولیه  
 مشروع خودم و فامیلم را بنده از آستانه  
 نتوانسته ام استرداد بکنم و جواب نمیدهند  
 برای این که آنکسی که پول داده و برای  
 تولیت رفته می گوید اگر مرا قطعه قطعه  
 کنید حاضر نیستم حق ترا بدهم چاره هم  
 ندارد. باو هم حق میدهم برای این که  
 بیست هزار تومان پول داده است و باید  
 فایده ببرد.  
 خلاصه خرابی آستانه متوجه هیچ يك  
 از افراد آستانه نیست مگر تولیت های وقت  
 که آن ها هم البته بدستاری دو سه نفر  
 ممدود که آن ها را همه اهالی خراسان میشناسند  
 این خرابی ها را فراهم کرده اند ولی بحمد الله  
 این دو ساله که از طرف والا حضرت جدیتی  
 در اصلاحات آستانه فراهم شده است کاملاً  
 خرابی های آستانه اصلاح شده املاک آستانه آباد  
 شده و امیدواریم بزودی زود در تمام نواص  
 آستانه بشود.  
 رئیس- آقای آقا بدیع یعقوب  
 (اجازه)  
 آقا سید یعقوب- بنده از مقام ریاست  
 خواستم تقاضا کنم سؤالاتی که از وزارت  
 خانه ها میشود يك سابقه پیدا شده است  
 که این سابقه در دوره چهارم نبود.  
 سؤال که میگردیم بعد از مدتی يك  
 جواب از وزارت خانه می آمد که این مسائل  
 سؤالات را توضیح بدهد برمی داشتیم توضیح  
 می دادیم باز برای جواب حاضر نمی  
 شدند.  
 يك سؤال از وزارت مالیه کرده ام  
 راجع بهچرم و تنباکو و مالیات تنباکو  
 و نوافقی که از بیچاره هائی که از کوه خار  
 بدوش می گیرند و می آورند در دروازه  
 جهرم از آنها مالیات می گیرند هنوز وزارت  
 مالیه جواب نداده و شاید آقای معاون هم  
 بنظرشان نرسیده باشد و جواب ندهند.  
 یکی هم سؤال کردم راجع بحکومت  
 زنجان باز جواب داده اند بنده از مقام ریاست  
 درخواست میکنم که تا یکدی بفرمایند.  
 ماده ۲۸ قانون اساسی بنده حق می دهد  
 که درین باب پافشاری کنم که چرا وزراء  
 برای جواب حاضر نمی شوند.

سؤال بکنیم آنوقت توضیح بدهیم  
 می توضیح بر توضیح همه اش به مکاتبات  
 بگذرد.  
 معاون وزارت مالیه- سؤال چهارم راجع  
 یادداشت کردام جواب عرض میکنم  
 رئیس- کمیسیون خارجه کمیسیون عدلیه  
 که در جلسه گذشته بنا بود انتخاب شوند  
 اعضایش انتخاب شده اند و دارای اکثریت  
 تام بوده اند اسامی آقایان بعرض میرسد.  
 کمیسیون خارجه:  
 شاهزاده سلیمان میرزا ۷۰ رأی.  
 آقای میرزا اسمعیل خان و کبل ۶۳  
 رأی.  
 آقای عظیمی ۶۲ رأی  
 آقای دکتر امیرخان امیر ۶۲ رأی.  
 آقای آفتابش جلال ۶۱ رأی.  
 آقای دیوان بیگی ۵۲ رأی  
 آقای بابک در کمیسیون عدلیه دارای  
 اکثریت تام بوده اند.  
 آقای میرزا حسینخان پیرنیا شصت و  
 هشت رأی.  
 آقای دیبا ۶۴ رأی.  
 آقای آقا میرزا سید احمد بهجهانی  
 ۶۴ رأی.  
 آقای آفتابش جلال ۶۳ رأی.  
 آقای آفتابش محمد علی طهرانی ۶۲  
 رأی.  
 آقای شریعت زاده ۶۲ رأی  
 آقای یاسائی ۶۱ رأی  
 آقای سید یعقوب ۶۰ رأی.  
 آقای المومنی ۶۰ رأی  
 آقای هرمزی ۵۰ رأی  
 آقای داور  
 آقای دامغانی ۴ رأی  
 نسبت به کمیسیون دیگر هم گویا  
 موافقت حاصل شده است و متقاضی است  
 آقایان در ضمن مذاکرات تشریف  
 بفرموده ای بدهند. کمیسیون قوانین مالیه  
 کمیسیون فوائد عامه کمیسیون معارف  
 کمیسیون داخله آقای حاجری زاده  
 (اجازه)  
 حاجری زاده- بنده راجع بقانون استخدام  
 مستخدمین مجلس شورای ملی میخواستم عرض  
 کنم که در دوره چهارم يك چیزی نوشته شد  
 و درین دوره هم مطرح شده تا نصف بیشترش  
 هم از مجلس گذشت بقیه اش معطل مانده  
 است و ما هم میکنم در اول دستور بقیه قانون  
 استخدام اعضای مجلس شورای ملی جزء  
 جهرم از آنها مالیات می گیرند هنوز وزارت  
 مالیه جواب نداده و شاید آقای معاون هم  
 بنظرشان نرسیده باشد و جواب ندهند.  
 یکی هم سؤال کردم راجع بحکومت  
 زنجان باز جواب داده اند بنده از مقام ریاست  
 درخواست میکنم که تا یکدی بفرمایند.  
 ماده ۲۸ قانون اساسی بنده حق می دهد  
 که درین باب پافشاری کنم که چرا وزراء  
 برای جواب حاضر نمی شوند.



بنده از نقطه نظر محل خودم به آقایان قول میدهم که بگذارند آنها زراعت خودشان را بکنند اینها را نشکند دیگر لازم نیست اینکار را بکنند آنها فرض نمیخواهند همینقدر بگذارند آنها زراعت خودشان را بکنند بنده فرض نمیخواهم بآنجا بدهند بی ربط عرض نمیکنم آنان تلگرافی تو جیب یکی از و کلاهی که اینجا نشسته اند سراغ دارم که متن تلگراف این است مینویسد مامورین از اوق آمدند انبار را شکستند و چوپا کردند بنده بنده صاحب جنس آنجا بوده است نه ترازو و قیانی بوده است نه پولش را داده اند همین طور انبار را شکستند و باز کردند آقایان از این کارها جلو گیری بکنند عمل وزارت مالیه را درست کنند زراعت این مملکت درست میشود اهالی این مملکت همه زحمت کش و نان پیدا کن هستند و اگر آنها زراعت بگذارند زراعت درست میشود لازم هم نیست که از آنها رعایتی بکنند و منتهی کردن آنها بگذارند منت این رعایت را باید کردن آنها گذاشت که این پولها را بگیرند و میخورند پس این مربوط باصلاح زراعت نیست اگر حقیقتا وزارت مالیه می بیند که آن چند تاده ورامین (که یکیشان اینجا بنده را دیده و گفته میخواستیم از این پول استفاده کنیم چرا شما مخالفت می کنید) در این یکی دوساله صدمه دیده و ولزم است بآنکین وزارتین آنها را فرجه داده شود بنده هم موافقم که وزارت مالیه یک لایحه پنجده هزار تومانی ریاضد هزار تومانی با صد و پنجاه هزار تومانی پیشنهاد کند برای کمک بآنکین ورامین که بتوانند زراعتشان را ادامه بدهند بهاوری که عرض کردم ممکن است یک لایحه با اینصورت تهیه کند که وزارت مالیه مجاز است صد و پنجاه هزار تومان از قرار فرغ فلان بآنکین ورامین فرض بدهد و بعد از فلان مدت بطور استهلاک از روی مالیات یا بهر طریقی که میدانند از شان پس بگیرد این ضرری ندارد بنده هم موافقت می کنم ولی این لایحه که وزارت مالیه مجاز است از محل وجوه تقاعد در حدود هفت عشر از مجموع وجوه مزبور در قرضهائی بر طبق مواد ذیل بآنکین اعطاء نماید این ماده سر بسته که هر کس برود این مالیه را ببیند و اوقاف نظری ببینان حاصل شود این مواد از طرف مجلس شورای ملی در حقیقت نازل شده است و هر کس ننیند چنین ماده در باره شان نازل نمیشود این طریقی را بنده نمیفهمد بهالملك

میدانم تمهید بعال زراعت ملک و بالاخره یکی از اصول علم تروت دراهم عملا مجلس شورای ملی نفس کرده است یعنی یک پول جمع شده را پراکنده کرده است بنده عرض میکنم این مملکت چهار صد و پنجاه هزار تومان پول نقد پیدا کرده در جای دیگر شش پول نقد ندارد برای اینکه یک پولها را در دست نگذارد و هم در مقامش هست فقط پول بیکاری که در خارج گذاشته همین یک فقره پول است و هفت هشت فقره اصلاحات هم ممکن است با این پول در این مملکت بکنند صد اهواز ممکن است بست و صورت مخارجی که یک نفر مهندس خارجی تهیه کرده است برای بستن سد اهواز کمتر از چهار صد هزار تومان است سد شادروان را ببندید که صد هزار تومان خرج دارد سداهو را ببندید که سی هزار تومان خرج است آب سکو و رنگ را یک نفر آلمانی آسده است و صورت داده است که صد و هفتاد و پنجاه هزار تومان خرج دارد این پول را بآنکین اصفهان فرض بدهید و سال دیگر صدی ده یازده منافع رویش بکشید اگر مقصود بخش کردن این پول نیست این کار را بکنید من دیدم بانک ایران در تحت یک تأییداتی آب شد و زمین فروخت اینهم همانطور است نمیخواهند یک پول چهار صد و پنجاه هزار تومانی در یک گوشه مملکت مابقی باشد اینرا هم میگویند که آب شود از زمین برود بالاخره این مملکت مایکروزی بانک میخواند و شما نمیتوانید با این پول یک بانک درست کنید الان مستخدمین دولت میروند در بانک های رهنی و تومانی ده شاهی دو عباسی تا یک عباسی تنزیل میدهند و پول قرض میکنند آنوقت هم با صد تومان فالچیه و طلا آلات زنانه خودشان را میدهند تا پنجاه تومان پول بهشان بدهند بانک پهلوی آمده است و یک همچو کاری برای مستخدمین لشکری کرده است وزارت مالیه هم یک چنین کاری برای مستخدمین کشوری بکند همین مستخدمین بیچاره از پنجاه شصت تا مدیر کلوزنیس اداره که بگذرد که بعضی از آنها هم بیچاره ها همیشه مقروض هستند بقیه که سی و دو تومانی و چهل تومانی و پنجاه تومانی هفتاد هشتاد تومانی تا صد و پنجاه تومانی هستند و همیشه در ماه حقوقشان را مقروض هستند باینکه از این بانک فرض نگیرند و یک مناقی هم بدوات بدهند بیایند از همین فردا شروع کنید بانکش را هم مثل بانک پهلوی باز کنید

وزارت مالیه و خزانه داری هم پشت سرش و مکنست یک کمک هائی بستند بنده دولت بکنه که همیشه نصف حقوقشان را در راه قرض کردن بپازند من نمیدانم چه نظری پیش آمده که این لایحه را پیشنهاد کرده اند یک پول را که در اینجا جمع شده است آنهم مان مردمست اینطور بصرف برسانند بالاخره یک روزی هم از باب تقاعد می آیند و پولشان را میخوانند آقا فرمودند مطمئن باشید که حقوق تقاعد سالها داده میشود منم مطمئن اول سان یا آخر سال که میشود موقمی که بود می آورند یک قلم هم برای متقاعدین در بودجه شان منظور میکنند و مینویسد از باب حقوق تقاعد و فلان فلان مبلغ و تصویب میکنند و میرند تفصیل آنها نیست بیات (مخبر کمیسیون) در قسمت مخالفت هائیکه آقای شیروانی روز قبل و امروز فرمودند در بعضی قسمت هایش اگر درست توجه بفرمایند خودشان یک پیش نهاد هائی فرمودند بر خلاف آنچه که اول فرمودند مکنست این استقرض بستند من دولتی داده شود و به این قسمت داده نشود از طرف دیگر یک فودی هم هست فرمودند که برای ترویج فلاح و کمک بزراعت و مالک در این مملکت امروزه لازم است که یک بانک هائی درست شود و حتی خودشان معتقد بودند که اگر بانک فلاحی دائر بشود خیلی خوب است البته تأسیس بانک فلاحی با این سرمایه ممکن نیست و کسی متکرر نیست که مملکت محتاج یک بانک فلاحی خواهد بود که ترتیب زراعت و کارهای را آن بانک تصفیه ولی تصدیق میفرمایند با چهار صد و پنجاه هزار تومان تأسیس بانک فلاحی ممکن نیست و یک سرمایه خیلی بزرگی برای تأسیس آن لازمست به علاوه اگر بخواهید این را بصورت بانک در آورید یک مدارج گزافی پیدا خواهد کرد که با زعایدات این مبلغ با مدارج تکافو نمیکند پس وقتی که ما تصدیق کردیم که کمک بزراعت و مالک و فلاح برای ترقی زراعت لازمست و امروز هم ممکن نیست برای ما که بآن منتهی درجه اش برسیم بقیه بنده نباید بایک قسمت کوچکی که امروز دولت میخواهد یک قدم بردارد مخالفت کنیم بلکه باید دولت را در این امر تشویق کنیم این یک قدم اولیه است که در راه اصلاح زراعت و فلاح برداشته شده و بالطبع این قدم برداشته شد مکنست

در سنوات بعد این قدم را تکمیل کنیم و با تصوری که داریم یعنی تأسیس بانک فلاحی بتدریج نازل شویم و الا بگوئیم چون امروز نمی توانیم به آسودگی کوچک هم اقدام نکنیم این خیلی بی تناسب است از طرف دیگر فرمودند اگر بمالک وزارت قرض بدهید مکنست این پول تقاعد از زمین برود ولی خوبست به مستخدمین در مر کرده شود بنده گمان میکنم اگر نقطه نظر این باشد که این پول از بین میرود چه به مستخدم قرض داده شود چه بزراعت هر دو در حال واحد است و اگر آن نظر را داشته باشند که مالیه نمیتواند وسول کند چه با اینطریق و چه با طریق دیگر در صورت این دو موازین میرود ولی بقیه بنده در این قسمی که مالیه پیشنهاد کرده محققا بوصول آن ملاحظه میفرمایند یک شرایط است که کاملاً اطمینان میدهد این پولی را که دولت میدهد میتواند وصول کند بجهت اینکه از یک طرف مقابل آن پولی را که دولت می دهد آن شخص بیع به دولت میکند از طرف دیگر یک فودی هم هست و یک شرایط سختی که دولت و کمیسیون وقت کرده و پیشنهاد کرده است برای اینکه این حقوق تقاعد از بین نرود و بنده گمان میکنم با این ترتیبی که نوشته شده است این پول از بین نرود و یک کمک هائی هم به زراعت و مالک بشود از طرف دیگر فرمودند که در قسمت های ورامین اگر پنجاه شصت هزار تومان بآنجا کمک بشود خوبست ایشان با این قسمت با انصاف موافقت میکنند ولی با یک قسمت های هستند که بفر ندارند بکارند در صورتی که آب و زمین هست اگر از طرف دولت صد تومان در دست تومان بماند تومان بآن ده برای بفر کمک شود ممکن است در سال آتی پنج هزار تومان فایده داشته باشد دیگر فرمودند که سایر دول سرمایه های کوچک را جمع آوری می کنند برای اینکه سرمایه های بزرگ تشکیل بدهند بنده گمان نمیکنم هیچکس مخالف باشد البته کارهای بزرگ را باید با سرمایه های بزرگ کرد ولی وقتی سرمایه های بزرگ پیدا شد آنها را چکار خواهند کرد؟ بالطبع مجبور هستند این سرمایه های بزرگ را بصارف کوچک کوچک برسانند مایک سرمایه بزرگ را نمی توانیم بصرف نرسانیم برای اینکه کوچک میشود باید همانطور کوچک کوچک جمع کرد و کوچک کوچک تقسیم کرد و استفاده کرد و کارهای بزرگ کرد

بست جفت بیشتر ندارند غالب دهات این صورت در آمده و خود مالک هم از هجده برمی آید که آنها را اداره نماید و هیچکس هم نمی تواند برود تومانی ده شاهی با صد دینار پول قرض کند و بیاید دهش را آباد کند پس در این صورت تصدیق می فرمائید که با یستی بهدات کمک کرد که آباد شود و آبادی دهات هم همانطور که ملاحظه می فرمائید ممکن است بایک مبلغ جزئی پیشرفت کند شاید یک دهی اگر امروز هزار تومان خرجش شود پنجاه هزار تومان عایدات بدهد و اگر این هزار تومان خرجش نشود آن پنج هزار تومان از بین برود پس در این صورت بقیه بنده این یکی از قدم هائی است که میتوان گفت خیلی مؤثر در امر فلاح و زراعت است برای اینکه بایک مبلغ جزئی که کمک داده می شود یک استفاده های کلی میشود آقای شیروانی می فرمایند خوبست این پول را دولت برای بستن سد اهواز و شادروان و غیره مصرف کند البته بستن سد اهواز و شادروان و غیره یکی از کارهای خوبی است که باید بشود ولی قرض بفرمایند اگر این اعتبار برای بستن سد اهواز بصرف رسید یک قسمت خراب را آباد کرده آقا اگر اینطوری که در این لایحه نوشته شده است مصرف شود آنوقت یک قسمت بزرگ مملکتی را از خرابی جلو گیری کرده آید که پس فردا هر تکه از اینها محتاج یک خرجی مثل بستن سد اهواز و شادروان نشود پس برای جلو گیری و آبادی یک قسمت از این املاکی که امروز مقروضه است و مالکین هم از هجده آبادی آنها بر نمی آیند (و همانطور که فرمودید الان دهات و رعایائی هستند که بفر ندارند بکارند در صورتی که آب و زمین هست) اگر از طرف دولت صد تومان در دست تومان بماند تومان بآن ده برای بفر کمک شود ممکن است در سال آتی پنج هزار تومان فایده داشته باشد دیگر فرمودند که سایر دول سرمایه های کوچک را جمع آوری می کنند برای اینکه سرمایه های بزرگ تشکیل بدهند بنده گمان نمیکنم هیچکس مخالف باشد البته کارهای بزرگ را باید با سرمایه های بزرگ کرد ولی وقتی سرمایه های بزرگ پیدا شد آنها را چکار خواهند کرد؟ بالطبع مجبور هستند این سرمایه های بزرگ را بصارف کوچک کوچک برسانند مایک سرمایه بزرگ را نمی توانیم بصرف نرسانیم برای اینکه کوچک میشود باید همانطور کوچک کوچک جمع کرد و کوچک کوچک تقسیم کرد و استفاده کرد و کارهای بزرگ کرد

بیت جفت بیشتر ندارند غالب دهات این صورت در آمده و خود مالک هم از هجده برمی آید که آنها را اداره نماید و هیچکس هم نمی تواند برود تومانی ده شاهی با صد دینار پول قرض کند و بیاید دهش را آباد کند پس در این صورت تصدیق می فرمائید که با یستی بهدات کمک کرد که آباد شود و آبادی دهات هم همانطور که ملاحظه می فرمائید ممکن است بایک مبلغ جزئی پیشرفت کند شاید یک دهی اگر امروز هزار تومان خرجش شود پنجاه هزار تومان عایدات بدهد و اگر این هزار تومان خرجش نشود آن پنج هزار تومان از بین برود پس در این صورت بقیه بنده این یکی از قدم هائی است که میتوان گفت خیلی مؤثر در امر فلاح و زراعت است برای اینکه بایک مبلغ جزئی که کمک داده می شود یک استفاده های کلی میشود آقای شیروانی می فرمایند خوبست این پول را دولت برای بستن سد اهواز و شادروان و غیره مصرف کند البته بستن سد اهواز و شادروان و غیره یکی از کارهای خوبی است که باید بشود ولی قرض بفرمایند اگر این اعتبار برای بستن سد اهواز بصرف رسید یک قسمت خراب را آباد کرده آقا اگر اینطوری که در این لایحه نوشته شده است مصرف شود آنوقت یک قسمت بزرگ مملکتی را از خرابی جلو گیری کرده آید که پس فردا هر تکه از اینها محتاج یک خرجی مثل بستن سد اهواز و شادروان نشود پس برای جلو گیری و آبادی یک قسمت از این املاکی که امروز مقروضه است و مالکین هم از هجده آبادی آنها بر نمی آیند (و همانطور که فرمودید الان دهات و رعایائی هستند که بفر ندارند بکارند در صورتی که آب و زمین هست) اگر از طرف دولت صد تومان در دست تومان بماند تومان بآن ده برای بفر کمک شود ممکن است در سال آتی پنج هزار تومان فایده داشته باشد دیگر فرمودند که سایر دول سرمایه های کوچک را جمع آوری می کنند برای اینکه سرمایه های بزرگ تشکیل بدهند بنده گمان نمیکنم هیچکس مخالف باشد البته کارهای بزرگ را باید با سرمایه های بزرگ کرد ولی وقتی سرمایه های بزرگ پیدا شد آنها را چکار خواهند کرد؟ بالطبع مجبور هستند این سرمایه های بزرگ را بصارف کوچک کوچک برسانند مایک سرمایه بزرگ را نمی توانیم بصرف نرسانیم برای اینکه کوچک میشود باید همانطور کوچک کوچک جمع کرد و کوچک کوچک تقسیم کرد و استفاده کرد و کارهای بزرگ کرد

بیت جفت بیشتر ندارند غالب دهات این صورت در آمده و خود مالک هم از هجده برمی آید که آنها را اداره نماید و هیچکس هم نمی تواند برود تومانی ده شاهی با صد دینار پول قرض کند و بیاید دهش را آباد کند پس در این صورت تصدیق می فرمائید که با یستی بهدات کمک کرد که آباد شود و آبادی دهات هم همانطور که ملاحظه می فرمائید ممکن است بایک مبلغ جزئی پیشرفت کند شاید یک دهی اگر امروز هزار تومان خرجش شود پنجاه هزار تومان عایدات بدهد و اگر این هزار تومان خرجش نشود آن پنج هزار تومان از بین برود پس در این صورت بقیه بنده این یکی از قدم هائی است که میتوان گفت خیلی مؤثر در امر فلاح و زراعت است برای اینکه بایک مبلغ جزئی که کمک داده می شود یک استفاده های کلی میشود آقای شیروانی می فرمایند خوبست این پول را دولت برای بستن سد اهواز و شادروان و غیره مصرف کند البته بستن سد اهواز و شادروان و غیره یکی از کارهای خوبی است که باید بشود ولی قرض بفرمایند اگر این اعتبار برای بستن سد اهواز بصرف رسید یک قسمت خراب را آباد کرده آقا اگر اینطوری که در این لایحه نوشته شده است مصرف شود آنوقت یک قسمت بزرگ مملکتی را از خرابی جلو گیری کرده آید که پس فردا هر تکه از اینها محتاج یک خرجی مثل بستن سد اهواز و شادروان نشود پس برای جلو گیری و آبادی یک قسمت از این املاکی که امروز مقروضه است و مالکین هم از هجده آبادی آنها بر نمی آیند (و همانطور که فرمودید الان دهات و رعایائی هستند که بفر ندارند بکارند در صورتی که آب و زمین هست) اگر از طرف دولت صد تومان در دست تومان بماند تومان بآن ده برای بفر کمک شود ممکن است در سال آتی پنج هزار تومان فایده داشته باشد دیگر فرمودند که سایر دول سرمایه های کوچک را جمع آوری می کنند برای اینکه سرمایه های بزرگ تشکیل بدهند بنده گمان نمیکنم هیچکس مخالف باشد البته کارهای بزرگ را باید با سرمایه های بزرگ کرد ولی وقتی سرمایه های بزرگ پیدا شد آنها را چکار خواهند کرد؟ بالطبع مجبور هستند این سرمایه های بزرگ را بصارف کوچک کوچک برسانند مایک سرمایه بزرگ را نمی توانیم بصرف نرسانیم برای اینکه کوچک میشود باید همانطور کوچک کوچک جمع کرد و کوچک کوچک تقسیم کرد و استفاده کرد و کارهای بزرگ کرد

اینجا یک معامله دولت با ملاحظه میکند و اعطاء میکند موضوع ندارد باید دولت معامله بکنند آنها نه معامله که عنوان ربح درش باشد که یک انگشت هائی هم تویش بکنند پس دولت باید از هفت عشر موجودی هذالنه که از حقوق تقاعد مانده است با ملاحظه بکفایت مخصوص معامله بکنند باین شکل بنده پیشنهادی هم کرده ام و تقدیم میکنم رئیس - آقای دستغیب (اجازه) اخگر - بنده قبلاً اجازه خواسته بودم و امضای کردم رئیس - ایشان قبلاً در خارج اجازه خواسته اند در تاریخ هفتم آبانماه دستغیب - همینطوری که آقای نهرانی فرمودند که در این قضیه خوش نماندند بیاناتی بفرمایند بنده هم خوش ندارم زیرا جوابهائی که با یستی آقای شیروانی داده شود آقای مشیر تقریباً دادند مخالفت آقای طهرانی هم راجع بلغظ بود و فرمودند که لفظ اعطاء را بدل کنند معامله و علاوه بنده گمان میکنم همانطور که آقای شیروانی فرمودند تلگراف هائی توی جیب بعضی نمایندگان است که بعضی ها شکایت کرده اند که چند ما را چوپا کرده اند همینطور عرایضی که وزارت کرده اند در جیب بعضی از نمایندگان است که میگویند ما حاضریم قرض بکنیم و ملک مان را هم بیع شرط کنیم و گرو بکنیم تا زمانی که آباد کرده و مالیات او را هم بدهیم آیدند فرمودند این معامله چه صورتی دارد عرض میکنم این بهترین معاملانست برای دولت دوتفع دارد یکی اینکه برای این پولی که میدهد (بنده اسمش را مال الاجاره میگذارم نه ربح) از بابت مال الاجاره یک چیزی باید دولت میشود و یکی هم یک ملک بی مالیاتی را که مالیات ازش نمی گرفته آباد میشود و دولت از او مالیات بگیرد پس این یک سرمایه است که خورد می شود و بیشتر ازش انتفاع برده میشود یک فرمایشات دیگری آقای شیروانی که فرمودند راجع باینکه مالیه جنس مردم را نبرد تا زراعت آباد شود این البته یک شکایاتی است که بنده هم شاید در قسمت خود تصدیق میکنم که مالیه یک اجحافاتی میکند و نمی گذارد درست زراعت شود این یک موضوع دیگری است و مربوط باین موضوع نیست برای اینکه ماده که در این موضوع است اینست که اگر مالکی آمد و گفت ملک من خرابست و من قدرت ندارم آباد کنم بمن قرض بدهید تا ملک خودم را آباد کنم پولی باو میبدهند که ملکش را آباد

کند و زراعت کند این قضیه مربوط باین نیست که فلان مأمور رفته است و فلان انبار را چوپا کرده است دیگر راجع بستن سد اهواز فرمودند این هم یک کار خوبی است ولی خودشان تصدیق می فرمایند که این مقدم تر از بستن سد اهواز است نهایت ایشان می فرمایند که آباد کردن املاک فرغ بستن سد اهواز است بنده عرض می کنم یکی از طرق آباد کردن املاک این است اگر آقایان بخواهند بنده مختصر حرف بزنم باید حرف تریزد والا مادام که میزنند مخصوصاً شخص آقای مستبد السلطنت که میگویند پس است من بیشتر حرف میزنم علی ای حال بستن سد اهواز و غیره سد اهواز مربوط باین نیست که چهارتا ملک یا دهتا ملک آباد نشود اگر در مملکت پول زیاد درسد اهواز را هم می بندند منتهی ندارد علاوه در اینجا صحبت درسد یک شهر بخصوص یا دهات بخصوص نیست که بنده بگویم خوبست در بندر عباس اینکار را بکنند آقا بگویند خوبست در اصفهان اینکار را بکنند و بالاخره برای کلیه مملکت است یعنی هر ملکی که خراب است و صاحبش قدرت ندارد آبادش کند مالک این ملک را می آورد و پول هوش میدهد تا آبادش کند و البته این عمل هم برای از اوق و هم برای دولت و هم برای آن مالک خوبست رئیس - اخلا آراه نسبت به انتخاب کمیسیون ها تمام شد مقداری هم از ظهر گذشته است جلسه را ختم می کنیم جلسه آتی پنج شنبه ساعت و نیم قبل از ظهر دستور اول همین لایحه بعد لایحه استخدام اعضاء مجلس بعد پیشنهاد جمعی از آقایان راجع بچند فقره شهریه (مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی سید محمد تدین منشی م شهاب منشی مجلس دو ساعت قبلاً از ظهر بریاست آقای تدین تشکیل گردید صورت مجلس نوزدهم آبان را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند رئیس - آقای یاسائی (اجازه) یاسائی - قبل از دستور عرض دارم رئیس - آقای حائری زاده (اجازه) حائری زاده - قبل از دستور رئیس - آقای عدل (اجازه)

مدل - بنده هم قبل از دستور عرض دارم.

رئیس - آقای آقاسید بقوب (اجازه)

آقاسید بقوب - بنده خواستم از مقام ریاست تقاضا کنم که ماد صد هفده نظریه نامه داخلی را امر فرمایند اجرا کنند زیرا مطابق آن ماده نمایندگان نمیتوانند غیبت کنند مگر اینکه تحصیل اجازه نمایند آقای دولت آبادی چند روز است که غایب هستند و در صورت مجلس با اجازه نوشته می شود. خواستم تقاضا کنم آن ماده را اجراء نمایند.

رئیس - مراجع اصلاح میشود. در صورت مجلس اعتراضی نیست؟ (گفته خبر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد.

آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - البته خاطر آقایان محترم هست که دسته گذشته طرحهای از طرف جمعی از آقایان نمایندگان برای اصلاح قانون استخدام کشوری پیشنهاد شده و بنده اینطور استنباط کردم که مورد توجه غالب آقایان هم شد که قانون استخدامی که در دوره چهارم گذشته دارای معایبی است و باید اصلاح شود.

یکسال و نیم متجاوز است که کمیسیونی برای اصلاح این قانون تشکیل شده است و تا کنون نتیجه آن معلوم نشده است و پاره ای ندادمانه که بشود در دستور گذاشت بقصد بنده این قانون دارای یک مواد مفروضه است که آن مصلحتی که از تشکیلات حکومتی منظور است این قانون تأمین نمیکند.

در این قانون مرور زمانها بجای لیامت و صلاحیت اشخاص مدخلیت داده اند. در این قانون میگوید

فلا نکس اگر هشت سال در سال در فلان شغل بوده است او باید باشد ولی فلان آدم عالم دانشمند فرزانه برای اینکه دوازده روز کمتر بوده است از آنند تنبیه مینماید که است نمی تواند باشد امروز در وزارت عدلیه بود مخصوصاً یک

بهشتی ۸ سال سابقه خدمت متناوت داشت و ۱۲ روزش کم بود و در حقیقت این مسئله بنده را عصبانی کرد که ناچار شدم اینجا خدمت آقایان عرض کنم.

مخصوصاً در قسمت تشکیلات قضائی که آقایان تصدیق می فرمایند نمی شود مرور زمان را مدخلیت داد و گفت فلان قاضی نظر باینکه دو سال فضاوت کرده این شخص صلاحیت دارد و باید فضاوت کند در صورتی که ممکن است این شخص بی سواد بوده و مدتی بطلب فضاوت میکرده است ولی اشخاص فاضل دانشمند فرزانه محروم هستند.

در سایر وزارت خانه ها هم همینطور

است اشخاصی هستند که میخواهند مستخدم شوند و سابقه هائی هم دارند.

ولی بواسطه وضع این قانون نمی تواند داخل خدمت شوند و منتظر اصلاح این قانون هستند و در حقیقت بلاتکلیف مانده اند. نمیدانند بر چه سر مشاغل دیگر باینکه بخدمت دولت منتظر میشوند این است که بنده تقاضا میکنم کمیسیون تجدید نظر در قانون استخدام زودتر راجع خودش را حاضر کند.

یک مرتبه راجع دادند بنده گفتند دولت هم نظریاتی دارد و باید اصلاح شود.

بطوریکه بنده اطلاع حاصل کرده ام نماینده دولت هم اغلب در کمیسیون حاضر میشود.

خوب است آقایان اعضاء کمیسیون در جلسات کمیسیون حاضر شده و زودتر راجع این قانون را بدهند که بعد از حالت انتظار بیرون بیایند اگر راستی این تشکیلات مفروضه را که بواسطه این قانون استخدام مرتور کچمالی شده است میخواهند همین حال نگاه دارند که معلوم شود و اگر هم اساساً بنا است یک اصلاحاتی بشود و طرز مسابقه و امتحان و لیاقت را منظور بدارند آنهم معلوم شود که مردم هم تکلیف خودشانرا بدهند.

رئیس - آقای صدر راجع این موضوع فرمایشی دارید؟

میرزا یوسف خان عدل - بلی

رئیس - فرمایند

عدل - بنده اولاً راجع فرمایشات آقای یاسائی میخواستم خاطر محترمشان را تذکر بدهم که قانون استخدام یک قانون اساسی است و تجربه این دوساله هم بیاورد داد، است که قوانینی که در کمیسیونها به عجله میگذرد می آید به مجلس اسباب مصلحتی میشود و از نوبت بر گردد بکمیسیون و غالباً طول میکشد این است که مابقی وقت داریم در این قانون استخدام که یک طوری تمام شود که در مجلس اسباب مصلحتی نباشد و باین جهت نمایندگان دولت آقایان منصور السلطنه و منصور الملک هم در جلسات حاضر میشوند و باینوقت پیش میرویم و نزدیک است تمام شود و امیدواریم عنقریب تمام شده و مجلس بیاید.

یک مطلبی را میخواستم عرض آقایان برسانم که آنروز هم عرض کردم از طرف وزارت مالیه بداره نلگراف خانه راجع بنده اندک گانی که سابقاً در خدمت بودند و بعد نماینده میشوند.

راجع بقانون تقاعد آنها شرحی نوشته شده است و از آن کافندی که بداره پست و تلگراف فرستاده اند یک متحد الی بنام وزارتخانه ها فرستاده اند یک نسخه هم از آن به مجلس فرستاده اند از طرف مقام ریاست آن کاغذ فرستاده شد بکمیسیون قانون استخدام.

چون کمیسیون آن شرحی را که وزارت مالیه می نویسد مخالف با قانون و با حقوق مستخدمین که قبول نمایندگی کرده اند میدانند این است که یک راپرتی تهیه شده و تقدیم مقام ریاست می نماید.

ضمناً هم تقاضا شده است طبع و توزیع شود که اگر مقتضی دیده در جواب وزارت مالیه نوشته شود.

بعضی از نمایندگان دستور رئیس موارد دستور و شوم؟ جمعی از نمایندگان بلی

امامی - بنده در دستور عرض دارم. رئیس اجازه شما محفوظ است. فعلاً خود بنده عرضی دارم. کمیسیونها باینکه در جلسه گذشته مقرر شد اعضاء انتخاب شوند آقایان باینکه دارای اکثریت شده اند بعضی از کمیسیون قوانین مالیه ۱۰ نفر دارای اکثریت نام شده اند.

آقای ایزدی ۵ رأی

آقای حاج میرزا علی رضا پنجاه و هشت رأی

آقای انشاری ۵ رأی

آقای زاهدی ۶ رأی

آقای رضوی ۶ رأی

آقای آقا شیخ فرج الهه ۵ رأی

آقای محمدولی میرزا ۱۱ رأی

آقای مفتی ۶ رأی

دو نفر دیگر از آقایان اکثریت ندارند بنابراین کمیسیون قوانین مالیه دو نفر کسر دارد.

کمیسیون قوانین مالیه ۱۰ نفر از اعضاء دارای اکثریت نام شده اند.

آقای شیروانی ۶ رأی

آقای عصر انقلاب ۵ رأی

آقای صدرائی ۵ رأی

آقای رهنما ۱ رأی

آقای کارزونی ۵ رأی

آقای افسر ۹ رأی

آقای آقا سید ابراهیم ضیاءچهل و نه رأی.

آقای حاج حسن آقا ملک چهل و هفت رأی.

آقای سکی استوان چهل و شش رأی.

آقای اسکندری ۴ رأی.

دو نفر دیگر دارای اکثریت نبوده اند باید انتخاب شوند. از ۱۲ نفر اعضاء کمیسیون داخله هفت نفر دارای اکثریت نام شده اند.

آقای اسفندیاری پنجاه و چهار رأی.

آقای یاسائی ۵ رأی

آقای افکار ۵ رأی

آقای کمالوند ۲ رأی

آقای میرزائی ۱ رأی

آقای اصاغلو ۵ رأی

آقای شادلو ۴ رأی

۵ نفر دیگر کسر دارد. از ۸ نفر اعضاء کمیسیون معارف شش نفر دارای اکثریت نام بوده اند.

آقای آقاسید محمد سلطانی چهل و نه رأی.

آقای تقی زاده ۶ رأی

آقای سهراب خان ۶ رأی

آقای ملائی ۶ رأی

آقای بهار ۴ رأی

آقای دولت آبادی ۴ رأی

دو نفر کسر دارد آقایان اهتمام می فرمایند کسری اعضاء این چند کمیسیون را با کمیسیون مقام که تا کنون انتخاب نشده است در نظر بگیرند. برای جلسه آتی ترتیب انتخابش را بدهند. ۴ نفر هم از کمیسیون بودجه قدیم اعضاء یا خارج شده اند و با استعفاء آمده اند مقتضی است در موقع تنفس آقایان شعبی را که عرض میکنم تشکیل بدهند و کسری اعضاء کمیسیون بودجه را انتخاب کنند که کمیسیون بودجه هم بهتر بتواند مشغول کار خود بشود.

از شعبه دو سابق مستقره بیست و دو نفر

از شعبه ۲ سابق دو نفر

از شعبه ۵ سابق یک نفر بجای بنده در موقع تنفس آقایان انتخاب می فرمایند.

آقای مدرس

آقای مدرس - بنده مگر استعفا خود را از کمیسیون سابق عرض کرده ام چون کسالت دارم خوب است تجدید فرمایند.

رئیس - بلی در سابق استعفا حضرت دالی مورد قبول واقع نشده. حالاً می فرمایند تجدید شود؟

مدرس - بلی چون غالباً کسالت دارم و نمی توانم حاضر شوم.

رئیس - بجای آقای مدرس هم از آن شعبه که انتخاب شده اند یک نفر انتخاب می شود در موقع تنفس البته آقایان اهتمام می فرمایند که انتخاب بشود.

آقای بهار هم بواسطه کسالت مزاج از کمیسیون معارف استعفاء بنده بنا بر این یک نفر بر کسریش افزوده میشود.

آقای امامی راجع بدستور فرمایشی دارید؟

امامی - بلی

رئیس - فرمایند

امامی - چندین پیش طرحی از طرف آقایان نمایندگان راجع بطبع فرهنگ آزاد تقدیم مجلس شد. طرح مزبور راجع از طرف کمیسیون مبتکران تقدیم مجلس شد است. ما در امروز در درجه اول جزو دستور گذارده شود بقدر دوسه دقیقه بیشتر

کار ندارد هم تکلیف مؤلف آن معلوم شود هم مقدم مهمی بطرف معارف نداشته ایم. رئیس - خبرش حاضر نیست اگر آقایان موافقت فرمایند بعد از تنفس پیشنهادی راجع بدستور رسید ما است.

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم قانون استخدام مستخدمین مجلس در درجه اول دستور گذارده شود.

شیروانی

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - اگر چه گفته شده است که بنده بالاینکه دولت مخالفت میکنم بر فرض هم اینطور باشد اهمیت ندارد ولی اینطور نیست.

یک لایحه آمده است به مجلس البته عقاید مختلف در اطرافش ذکر میشود زیرا مسائل نظریست و ممکن است یکی نظر مثبت و یکی نظر منفی داشته باشد و هر بوط بلایحه دولت نیست باوصف این اهمیت ندارد.

اولاً میخواهم در خارج در این لایحه با آقای معادن وزارت مالیه و سایرین صحبت کنیم که یک صورت بهتری پیدا کنند که در مجلس کمتر صرف وقت شود.

دوم اینکه میخواهم شامل یک کاریکه در ماده ۵۸ قانون استخدام است نشویم.

در آنجا می نویسد هر کس دخالت در این پول یعنی پول تقاعد بنماید جز در صورت اموال عمومی محسوب میشود.

از این نقطه نظر برای اینکه ۱۰ ماده قانون استخدام مستخدمین مجلس هم تمام شود و مراقبت داشته باشیم تا جلسه آتی تبادل نظری با معادن وزارت مالیه و غیر کمیسیون بودجه و سایر آقایان بکنیم و ماده اول لایحه استقرار را تغییر بدهیم که در جلسه آتی بنده هم یکی از موافقین لایحه دولت بشوم. به این جهت این پیشنهاد را در کردم.

رئیس - آقای دکتر آقایان (اجازه)

دکتر آقایان - بنده اصولاً مخالفم با اینکه یک مطلبی که ما کرده بشود مخصوصاً یک قضیه که تا درجه اهمیت فنی درس باشد مثل این لایحه اینطور از دستور خارجش کنیم.

آقایانیکه ذی مدخلند با میل داشتند این قضیه بگذرد چون می دیدند خیلی مهم است خودشان را حاضر کردند و جزء دستور گذاشتند.

حالا این را از دستور خارج کنند معلوم نیست کسی به دستور وارد شود.

آقای شیروانی باید یک چیزی را در نظر بگیرند و آن این است که آقا مخالفت خودشانرا فرمودند آقایان موافقین هم

خوب است موافقت خودشان را اظهار بکنند که لا اقل شور او را تمام کرده باشیم. شیروانی - یک شور بیشتر ندارد.

دکتر آقایان - خیلی خوب مذاکره بکنند بعد اگر چنانچه اصلاحاتی درش لازم هست ممکن است اصلاحاتش را پیشنهاد کنند و او گذار کنیم بنظر مجلس.

رئیس - رأی می گیریم به پیشنهاد آقای شیروانی آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشده ماده اول خبر کمیسیون بودجه مطرح است.

آقای دامغانی (اجازه)

آقای دامغانی برای نطق از صندلی خود حرکت نمودند.

رئیس - تأمل فرمایند اسم آقای دکتر آقایان مقدم است ولی معلوم نیست موافقت یا مخالف.

دکتر آقایان - بلی مخالفت بنده در مواد است و در که در اطراف تنفس بود امضاء کرده بودم.

رئیس - فرمایند

دکتر آقایان - مخالفت هائیکه در جلسه گذشته راجع باسل قضیه شد بنده تصور میکنم که فقط نتیجه یک سوء تفاهمی بوده است و پس اصل فرجه فلاحتی یسا بماند فلاحتی فقط برای اینست که خورده مالک را میتوان با او همراهی کرد که بتواند ملک خودش را آباد کند و زیر بار سرمایه دار زود و یک تنگه ملکش را از دست ندهد.

وقتی که بنظر و در شفق می است که آن سرمایه های خورده را که عملی کرده و سرمایه بزرگ کرده اند آن سرمایه بزرگ را که بانک تشکیل می دهد خورد میکند که باینصورت برسد پس از این جهت بنده تصور میکنم کسی نتواند مخالفت با این لایحه بکند ولی تمام اشکار در طرز اجرای آنست اول باید در نظر گرفته شود که کوجه صندوق تقاعد مال ملت است نه مال دولت.

نه دولت و نه ملت حق مداخله در آنرا ندارد این حق مشروع یک عده نامعاری است که باید در آتی وجهی را از این صندوق بگیرند دولت و مجلس باید توفیق العاودت کنند که حقوق آتی مستخدمین از این نرود.

وزارت مالیه در ماده هفت پیشنهاد خود را کرده هر گاه درخواست کنند قرض ملکی را که میخواهد وثیقه قرضه قرار بدهد.

آقا شیخ فرج الهه - این ماده مطرح نیست.

رئیس - ماده اول مطرح است بنده

که از جنبه مالی سوال کردم برای این بود.

دکتر آقایان - بنده مقرر می خواهم از تلف کردن وقت آقایان بنده در روز زود تر رفتم و نماندم که مذاکره در ماده اول است.

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - بنده اصولاً با این ماده موافقم زیرا بهترین قسمیکه امروز تأمین فلاحت و زراعت مملکت بشود آتی هم ملکتی که عایدانش منحصر بفلاح است بهترین طریق ترقی فلاحت کمک بزرگترین و ملائمت است و البته همانطور که آقای منیر در جلسه قبل توضیح دادند ممکنست یک املاک مسلوب الانقعه دارای ده هزار تومان یا پنجهزار تومان منافع بشود در اثر یک فرجه کوچک و مساعدتی که دولت با او بکند.

بقصد بنده بر خلاف رأی آقای شیروانی امروز اولین قدمیست که برای اصلاحات اقتصادی برداشته می شود و این قدم مهمتر از قسمت ثانی است که ایشان در نظر دارند زیرا املاک خراب مسلوب الانقعه در مملکت زیاد است و ممکنست بواسطه فرجه ها یک صورت جدیدی بخودش بگیرد و آباد شود.

لکن مخالفت بنده در این ماده اول دوسه جهت است یکی اینکه این پولی که در صندوق تقاعد است و منحصر است به مستخدمین دولت و اسباب نگرانی مستخدمین شده ممکنست یعنی احتمال می دهند که باین پول مخاطراتی متوجه شود و بالاخره قسمتی از مستخدمین تفریط شود و از بین برود. و این نگرانی بوقوع هم هست و حق هم دارند که یک چنین نگرانی داشته باشند.

باین جهت بنده معتقدم که دولت خودش مسئول این پول باشد و خودش مسئول مستخدمین باشد. یعنی از صندوق تقاعد قرض کند و طرف خود دولت باشد که این پول تقاعدی که جمع شده است دولت قرض نماید که اگر یک وقت در پول این مستخدمین در کی حاصل شود دولت مستخدمین این پول باشد.

مقصود اینست که در این کار هم یک خدمت و مساعدتی بآلینکین شده باشد و هم پولی را که نماینده باشد مثل پول قندوشکر که همینطور را که مانده و از جریان افتاده است این مسئله یک ضرر مهمی باقتضایات مملکت وارد می آورد و عنقریب مردم را دچار فقر و فلاکت خواهد کرد.

این بولها که باین شکل در یک جائی تجمع پیدا می کند اگر بجزیران نیفتد و بین مردم بکار نرود در اقتصادیات و معاملات بسته میشود قسمت دیگری که بنده میخواستم عرض کنم اینست که نوشته

(بمالکین ایرانی امضا میشود) و وقتی که بنا شود این لایحه باین صورت از مجلس بگذرد گمان نمیکند این پول خارج شود و بصرف تهران خواهد رسید زیرا مردم تهران در این کارها ورزیده ترند و راه استفاده را بهتر میدانند و این مخالف اصول مرکزیت است.

زیرا حکم مرکز نسبت به محیط اطراف بقاعده علمی متساوی است همانطوریکه وضعیت اطراف و محیط نسبت به مرکز متساوی است مرکز هم در اطراف همین حال را دارد. و بر طبق اصول مرکزیت هم که باشد این پول باید در همه جاییک تناسبی تقسیم شود نه اینکه فقط اختصاصی بآلینکین تهران داشته باشد.

مثلاً حد اکثر این فرجه را سه هزار تومان قرارداد میکنند یک کسی با اسم خودش برادرش یا پسرش سه هزار تومان بگیرد و یک مرتبه نه هزار تومان یا پانزده هزار تومان بگیرد. و باین شکل بین تهرانها تقسیم بشود و بولایات چیزی نرسد.

در صورتیکه این وجه بتمام مستخدمین ولایات تعلق می گیرد و اختصاص مستخدمین مرکز ندارد. لذا باید یک تناسبی در نظر گرفت که بهمه جانشین شود.

اشکال دیگری که بنظر بنده میرسد اینست که در موقع عمل یک اشخاص ممکن است پیدا شوند که املاک مردم را بجای ملک خودشان نزد دولت وثیقه بگذارند بعد سرمدت که پول دولت را ندادند وزارت مالیه آن املاک را تصاحب خواهد کرد و بموجب مواد این لایحه بفرش میرساند آنوقت تکلیف صاحب ملک چیست

شخصی که قاجاق کرده بولی گرفته و رفته دولت هم ملک را تصرف کرده ولی شخص صاحب ملک اصلی چه باید بکند؟ زورش که بدولت نمیرسد پس تکلیفش چیست زیرا آنوقت کسی میخواهد ملک راز در دولت گرو بگذارد از کجا معلوم میشود که این ملک خودش است یا ملک غیر و اگر کسی ملک غیر را گرو گذاشت تکلیف چیست؟ و با وزارت مالیه که ملک را تصاحب می کند و میفرشد چه باید بکند بر دولت هم تقصیری متوجه نیست زیرا او باید پولش را وصول کند و چاره ندارد.

غرض این است اگر این دو سه مسئله اصلاح شود بنده کاملاً با این لایحه موافقم.

معاون وزارت مالیه - بنده خیال میکنم از مجموع فرمایشات آقای دامغانی جز موافقت با این لایحه چیزی دیگر استنباط نمی شود نهایتاً از لحاظ احتیاط رعایت بعضی نکات را که فرمودند لازم میدانستند اما این نکاتی که رعایتش را واجب و لازم می دانند یک مقدارش در مواد این لایحه

رعایت شده  
 اگر چنانکه برای استحکام باز ذکر  
 بعضی چیزهای دیگر را هم لازم بدانند  
 بدیهی است که در موقع فید خواهند شد  
 اما یک امریکه در اینجا ملاحظه کرده شده  
 و بعضی از آقایان خیال میکنند که اگر این  
 پول متقاعدین مستخدمین بیک اشخاصی  
 داده شود در موقع وصول اسباب زحمت  
 خواهند شد و در نتیجه چیزی مستخدمین  
 داده نخواهد شد و از این لحاظ نگرانی  
 دارند.

گرچه در سه چهار روز قبل بایان  
 مختصری جواب این مسئله راعرض کردم  
 ولی تصور میکنم آن جواب کافی نبود حالا  
 باز عرض می کنم مبلغی که از بابت کشور  
 تقاعد جمع آوری شده است بوجه قانون  
 استخدام فقط بصرف ارباب تقاعد باید  
 برسد و بجهت مصرف دیگری نباید برسد  
 چنانچه اکنون بصرف دیگری نرسیده بود  
 هاهم نخواهد رسید و آنچه که امروزه فرض  
 میشود موقع خرج بدها نیکند.

یعنی متقاعدین دولت باندازه شده اند  
 که تمام این پول بصرف آنها برسد یعنی  
 این پول امروزه اضافه از بوجهی است که  
 باید بمتقاعدین برسد و داده شود و البته  
 مقتضی است یک پول بیکاری رایج مصرف  
 نماند و از بابت نتیجه عمومی و خصوصی به دست  
 آرد.

صندوق تقاعد امروزه بیک وجهی مزاد  
 از آنچه که بمتقاعدین میرسد در داد بدیهی  
 است هر اندازه که ادارات مملکتی توسعه  
 پیدا میکنند.

همان نسبت مستخدمین دولت هم زیاد  
 تر می شوند بسانی شود که پس از چند سال  
 دیگر مملکت ایران ناچار است که مبلغ  
 مهمی بصندوق تقاعد کمک کنند معنی در  
 بودجه که بسلامتی برای پانزده سال بعد  
 نوشته خواهد شد یک ارقامی برای کمک  
 بصندوق تقاعد مستخدمین ممکن است  
 نوشته شود ولی امروزه تا همین آنچه که در  
 موقع لازم است مستخدمین و متقاعدین داده  
 شود شده

بدر نظر گرفتن این مقصود همچو  
 بنظر رسیده که این وجه بیکاریک مصرف  
 خوبی برسد تا در نتیجه بلکه انشاء الله یک  
 املاکی آباد شود و بایک اشخاصی که واقفاً  
 میکنند است از با در آمده باشند بیک نوایندی  
 ببرند و روی هر رفته امروزه زراعت و فلاحیت  
 یک سروصورتی بگیرد در اینصورت بنده  
 تصور میکنم باین شرایطی که در این  
 لایحه ذکر شده هیچ جای نگرانی نیست و  
 اگر هم محتاج بماند کرده باشد بدهم ممکن  
 است مطلب را تکرار کنم ولی اگر هزار  
 مرتبه هم تکرار شود بنده همین عرض را خدمت  
 آقایان خواهم کرد

خلاصه هیچ جای نگرانی نیست یک  
 پولی است که بجاور وقت بر مبادارند و بیک

مصرفی میرسانند و در مقابل کرو بگیرند  
 و بعد همان وجه را سرچایش میکنند و  
 ممکن نیست موردی بیاید که دولت بمتقاعدین  
 بگوید پول شما را بفلان رعیت داده ایم یا  
 برای آبادانی فلان ملک بصرف رسانیده ایم  
 و حالا تقاعد تأمل کنید تا از دیگران بگیریم  
 و بشما بدهیم

این حرف را دولت به آنها نگوید و  
 معقول هم نیست که بگویند بنابراین از  
 آقایان محترم خواهش میکنم که خاطرشان  
 مطمئن باشد و نگرانی از این باب نداشته  
 باشند.

مطلب این است حالا اگر آقایان واقفاً  
 ملاحظه کنند که باین نظریه دولت که بر حسب  
 ضرورت و از لحاظ مساعدت با مالکین و  
 زارعین بوده موافقت بفرمایند خوب است  
 مساعدت کنند و لایحه را باین راه بیا عرض  
 کنم که این مساعدت هم از هر کزو و لایات  
 خواهد بود و اختصاص بر کز نخواهد  
 داشت

چنانکه در یکی از موارد این لایحه نوشته شده که  
 (باعتای مالیه رجوع کنند) و البته این  
 ماله هم در ولایات خواهند بود و آنها باید  
 تشخیص بدهند که کی بچاقوه موقوف است  
 و کی ملکش خراب شده و احتیاج بکمک  
 و مساعدت دارد آن وقت بوجه شرایط و  
 مواد این لایحه با او معامله خواهند شد

حالا اگر آقایان ملاحظه کنند که چنین  
 امری انجام شود دیگر معطلی ندارد.

در بعضی مواد هم اصلاحاتی لازم باشد  
 در مرتعش بفرماید البته اصلاح خواهد  
 شد ولی در اساس قضیه خاطر آقایان  
 امنیت داشته باشد

که این وجه متقاعدین بیک مخارجی  
 نخواهد رسید که اسباب زحمت بشود دیگر  
 بنظر آقایان است  
 رئیس - شاهزاده محمد هاشم میرزا  
 (اجازه)

محمد هاشم میرزا اولاً مطالب نباید  
 بایکدیگر مخلوط باشد زیرا بواسطه همین  
 اختلاط ممکن است مطالب بطور تناقض  
 فهمیده شود.

بعضی از آقایان در مخالفت و موافقت  
 یک مذاکراتی کردند و یک جوابهایی  
 شنیدند البته هیچکس نیست که با آبادی  
 مملکت موافق نباشد.

مملکت ما که خاصه یک مملکت فلاحیتی  
 است باید آباد شود و انواع و اقسام آبادی  
 راهم باید بکاربرد حتی عقیده شخص  
 خود بنده این است که اگر یک وقتی لازم  
 باشد در وقت یک پیشنهادی کند که از  
 بانگهای بی طرف دوست کرور برای  
 آبادی و عمران مملکت قرض کند -  
 بنده اول کسی خواهم بود که موافقت  
 خواهم کرد و روی خواهم داد.

مشروط بر اینکه بصرف آبادی  
 برسد.

زیرا چهاره مملکت ما با آبادانی اراضی  
 و بکار انداختن معادن است ولی این قضیه  
 مربوط باین نیست که اگر من بگویم  
 با این لایحه مغایر مقصود این باشد که  
 یا آبادی توسعه امر زراعت مخالف  
 هستم یا مثلا میخواهم که املاک طهران  
 هم مثل املاک قزوین خراب باشد

باید بیاد آورد که در چند سال قبل یک  
 اعانهائی برای ارومیه جمع شد  
 بعد دولت گفت من بطومانیا نس که  
 یک تاجر معتبر است سپردم ارومیه رو قوت هم  
 که ما گفتیم چه طور شد و کار این پول  
 بکجا رسید یک جواب هائی دادند یک وقت  
 گفتند بنده اش حاضر است یک وقت گفتند  
 پشم دارد.

کارخانه دارد و ما آنرا ضبط کرده  
 ایم و بالاخره فهمیدیم کارخانه ارومیه بکجا  
 رسید.

البته آقای معاون تکلیفشان این  
 است که بگویند دولت چه چیز مرتب است  
 و ما هم باید گوش بدهیم ولی بعضی چیز  
 هست که نباید از نظر دور کرد و ما نباید  
 امروز یک کاری کنیم که موجب تسامح  
 در پرداخت حقوق مستخدمین مثل آن  
 بدبختی هائی که اعانه برایشان جمع کردند  
 بشود و فردا هرقوت سوال کنیم یک جواب  
 هائی بماند.

همینطور چند سال قبل یک قروضی  
 باهائی گیلان داده شد و بنده هم چه طور  
 شد وصول شد بان و بیکجا منجر شد

بنده نمی گویم تقصیر با اهالی گیلان  
 است شاید آنها هم قدرت پنداره  
 نداشته اند ولی عرض می کنم کارها باید  
 مرتب باشد و باوضع حالیه عرض گرفتن ملک  
 یک ترتیب دیگری بدهند باین ترتیب ضمانت  
 گرفتن خارج یا بترتیب دیگری که بیشتر  
 اسباب اطمینان باشد.

بهر حال دولت باید یک سائل اطمینان  
 بخش نری بکار برد که ارباب تقاعد هم  
 مطمئن باشند آنکسی که از او این پول را  
 حالا کسر میکند خاطر جمع باشد و بعد  
 که بعد از چند سال دیگر در وقتش این پول  
 باو خواهد رسید و به چه وجه جای نگرانی  
 باقی نخواهد بود.

لذا بنده برای حل این قضیه پیشنهاد  
 کردم حالا که دولت لازم میدانند این قرض  
 را باز ارضین بدهد و محل دیگری هم در نظر  
 ندارد بهتر این است دولت خودش این  
 پول را از این صندوق تقاعد قرض کند و  
 بآنها بدهد تا مستخدمین مطمئن باشند که آنلا  
 یولشان نزد دولت است نه بپهلوی مشهدی  
 حسین سبزواری یا حاجی محمد قزوینی که  
 خواست ملکش را آباد کند ولی حالا  
 مرده یا طور دیگری شده است و کاروبه دلیه  
 ودان احضار به و غیر برسد

با این وسائلی که امروزه می بینیم  
 برای مردم در قرض دادن هست و پس

گرفتن خیلی مشکلی است خاصه دولت  
 که بنده اطلاع دارم یک مطالبات ده ساله  
 پانزده ساله بیست ساله دارد و هنوز آنها  
 را وصول نکرده حالا اگر رانت با شققت  
 یا مهربانی با هر چه بود نماندیم

عرض این است پنج شش کرور  
 مطالباتی دولت از مردم داشت که دوازده  
 سال قبل از این می گفتند املاک و اموال  
 آنها را باید توقیف کرد و چه کرد یک وقت  
 گفتند توقیف کردند و یک وقت گفتند  
 کردند و بالاخره هم فهمیدیم چه شد

با این طرزى که دولت در وصول  
 مطالبات خودش دارد

بنده صلاح نمیدانم که حالا پول  
 دیگران را اجازه بدهیم که دولت بیک  
 اشخاصی بدهد و بعد در موقع وصول اسباب  
 زحمت بشود.

مگر اینکه چنانچه عرض کردم دولت  
 اگر این کار را لازم میدانند خوب است خودش  
 (یک کرور یا کمتر یا بیشتر هر چه هست)  
 از صندوق تقاعد مستخدمین قرض کند و  
 بصرف آبادی برساند که هم یک کمکی  
 با آبادی مملکت و زارعین شده باشد هم  
 مردم مطمئن باشند که پولشان نزد دولت  
 است

اگر لایحه باین ترتیبی که بنده پیش  
 نهاد کردم اصلاح شود بنده موافقم و  
 الامتلاف خواهم بود

زیرا هیچ اطمنانی در کار نخواهد  
 بود و نظایر این کار را مکرر دیدیم و حالا  
 بنده نمی خواهم اینجا عرض کنم

بهاات مخبر کمیسیون - در قسمت  
 این استعراض که از طرف دولت بعمل می  
 آید

یک اظهاراتی شد و همچو تصور شد  
 که اگر دولت از صندوق تقاعد که مال  
 مستخدمین است پولی بردارد و بیک عده بدهد  
 و اشکالاتی فراهم بیاید

در صورتی که اگر در قانون استخدام  
 دقت شود معلوم خواهد شد

که دولت خودش در این کار یک  
 مسئولیتی دارد یعنی یک وجهی را که از  
 مستخدمین بعنوان حقوق تقاعد میگیرد در  
 ضمن هم مکلف است که مطابق این قانون  
 یک حقوق تقاعدی بمتخدمین ادارات کشوری  
 در حدودی که قانون مبین کرده است  
 بدهد و حتی اگر دقت بفرمایند یک ماده در  
 قانون استخدام است که اگر چنانچه این  
 حقوق تقاعد و وظایف را مطابق این قانون  
 بردارد

یعنی اگر چنانچه این پولی که کسر  
 گذارده میشود کافی نشود

برای حقوق متقاعدین دولت مکلف  
 است که از بودجه مملکتی این حقوق را  
 بپردازد و البته در صورتی که خود دولت  
 یکپولی از صندوق تقاعد بردارد بیشتر

مشولیت متوجهش خواهد بود و گمان می  
 کنم هیچ اشکالی نداشته باشد و با وجود  
 ماده ۶۱ که در قانون استخدام کشوری  
 نوشته شده است

این نگرانی که امروز آقایان دارند  
 بجهت دولت زیرا دولت بوجوب این ماده  
 قانون یک چیزی باید از مستخدمین خودش  
 بگیرد و در موقع خودش یک حقوقی باید  
 بآنها بدهد خواه این چیزی که میگیرد  
 زیادتر باشد و خواه کمتر از آن مبلغی که  
 داده است باشد

بهر صورت بنظر بنده این مسئله مانع  
 نمی تواند باشد از اینکه دولت پول را بدهد  
 حتی اگر هم کسر بیاید دولت باید از بودجه  
 مملکتی بپردازد

پس وقتی که این قسمت شد بقصد بنده  
 این نگرانی مورد ندارد و هیچ فرقی هم نمی  
 کند که چه بعنوان استعراض دولت این پول  
 را بردارد و بدهد و چه باین ترتیبی که در  
 اینجا نوشته شده بجهت اینکه دولت موظف  
 و مکلف است که در موقع خودش این پولها  
 را بپردازد

در قسمت دیگری که آقای دامغانی  
 فرمودند که این پول خوب است در تناسب  
 اینست در بقصد بنده دولت اگر  
 بخواهد بطور کلی تصمیم بگیرد مشکل  
 است

یعنی یک وجهی الان هست و مطابق  
 اینموادی که نوشته شده و ملاحظه بفرمائید  
 از طرف هر کسی از وزارت مالیه تقاضا شود  
 و شرایط پرداخت موجود باشد وزارت  
 مالیه نمیتواند این تقاضا را رد کند و  
 اگر بخواهم تناسب قرار دهم اینجا  
 تناسب قراردادن مشکل است زیرا در بعضی  
 نقاط مملکت ممکنست خرابی بیشتر شده  
 باشد و پول برای صرف آبادی بیشتر شده  
 باشد و در بعضی نقاط کمتر احتیاج داشته  
 باشد و برای این قرض لازم نباشد

پایین که دولت نتواند بآن نقطه قرض  
 بدهد البته امروز وقتی که این لایحه از  
 مجلس گذشت و اعلان شد در هر قسمتی که  
 از ولایات یا ایالات اگر یک احتیاجی  
 باشد مطابق این مواد بیکه در این لایحه نوشته  
 شده است بوزارت مالیه پیشنهاد می کنند  
 و تا وقتی که پول باشد از هر نقطه باشد  
 خواه از ولایات و خواه از مرکز و خواه  
 از جای دیگر از هر کجا که مقدم تر  
 تقاضا رسیده باشد بر دیگران مقدمست و به  
 آن نقطه پرداخت خواهد شد

در قسمت دیگرش هم اگر باز دقت  
 بفرمایند ببینند که قید شده قرضهائی که  
 کمتر باشد مقدم است بر قرضهائی که زیاد  
 است تمام این قیودات و دقتی که لازم  
 بوده است در کمیسیون شده که از این  
 پول انتفاع ببرند که در واقع یک منافعی برای

مملکت داشته باشد و تمام این دقتها بعمل  
 آمده است

یک قسمت هم اظهار فرمودند که ممکن  
 است قرض کننده ملکی نداشته باشد و بیاید  
 ملک دیگری را بیع بکنند و پول بگیرد  
 اگر دقت بفرمایند ملاحظه خواهند فرمود  
 که این پول را ما نمیدانیم برای این که  
 به خارج شخصی برساند که ممکن باشد  
 اینقبول عیانت بکنند که مثلا بیاید این  
 پول را بگیرند و به مصرف شخصی  
 برسانند

بلکه این پول را می دهند برای یک قسمت  
 عملیاتی که باید در دهات بشود این پول داده  
 می شود برای این که یا قنات بخرند  
 یا قنات آباد کنند یا بگذرولوازم یک ملکی  
 را تهیه کنند و آباد کنند و اگر ملک مال  
 خودش نباشد این پول را در ده دیگران که  
 صرف نخواهد کرد

بلکه این پول را می دهند برای یک قسمت  
 عملیاتی که باید در دهات بشود این پول داده  
 می شود برای این که یا قنات بخرند  
 یا قنات آباد کنند یا بگذرولوازم یک ملکی  
 را تهیه کنند و آباد کنند و اگر ملک مال  
 خودش نباشد این پول را در ده دیگران که  
 صرف نخواهد کرد

بهر صورت با دقتها و شرایطی که  
 نوشته شد و با قیوداتی که بری مامورینی  
 که در این کار دخالت دارند شده که اگر  
 تخلف کنند باید جریمه بدهند و مسئولیتهائی  
 متوجه آنها شده است.

تصور می کنم این اشکالات بیش نیاید  
 فرمودند که این پول خوب است در تناسب  
 برای اینکه تمام دقتها شده است که این  
 پول از بین نرود مع هذا اگر بازم آقایان  
 بخواهند یک قیود دیگری اضافه شود  
 ممکنست پیشنهاد بفرمایند ما هم قبول  
 می کنیم که آن قسمتها هم از هر چه تفرع  
 شود که اسباب آسایش خاطر آقایان  
 فراهم شود

رئیس - آقای عدل  
 (اجازه)

عدل - عرض می شود بنده کلیه با  
 لوابیعی که از طرف دولت بمجلس می آید  
 غالباً موافقم و این لایحه را هم از آن  
 لوابی و کارهای خوب می دانم الا اینکه  
 لایحه در نظر بنده یک کم مایمی دارد که اگر  
 اصلاح نشود هم بضرر مستخدمین هم بضرر  
 ملاکین هم بضرر دولت است و بنده از  
 این جهت مجبورم نظریات خود را عرض  
 کنم.

اولاً این لایحه رفته است به  
 کمیسیون بودجه این پول مال دولت نبوده  
 که برود بکمیسیون بودجه کمیسیون بودجه  
 یک کمیسیونی است که کارهائی که مدخلیت  
 دارد در جمع و خرج دولت در آن کمیسیون  
 پایبند کرده کنند.

این پول پول یک عده اشخاصی است  
 که پیش دولت امانت گذاشته اند و هیچ  
 مدخلیت بدخلو خرج دولت ندارد و عقیده  
 بنده اینست که این لایحه باید برود به  
 کمیسیون قوانین مالیه یا فواید عامه و در  
 آنجا ملاحظه کرد شود و بطور لایحه تنظیم  
 شود که هم اسباب اطمینان مستخدمین  
 فراهم شده و هم سبب آبادی ملک ملاکین  
 بشود آنوقت بیاید بمجلس ثانیاً عقیده بنده

اینست که قوانینی که از مجلس می گذرد  
 ما باید یک اعتباری برای آن قوانین  
 قابل شوم یعنی با قانون نباید ملت را  
 گول زد

ما در روز اینجا قانونی گذرانندیم  
 راجع بمسئله قند و شکر و در آن قانون  
 نوشتمیم که این پول جز برای صرف راه  
 آهن نعمل دیگری خرج نخواهد شد و  
 ویش از آن قانون استخدام را گذرانندیم  
 و در آنجا این ماده پنجاه و هشت را قید  
 کردیم که بنده آنرا می خوانم بنویسد

و جوهی که مطابق ماده پنجاه و هشت  
 بصندوق حقوق و وظائف متقاعدین وراث  
 مستخدمین داده می شود منحصرأ برای  
 پرداخت حقوق متقاعدین و وظائف مستخدمین  
 تعیین و بجهت عنوان نباید از این محل به  
 مصرف دیگری برسد و کسانی که از جوه  
 صندوق مزبور بصرف دیگری برسد مانعند در  
 حکم سارقین اموال عمومی خواهند بود

وقتی که همچو قانونی گذرانندیم و  
 در روز هم گفتیم که از پول قند و شکر نباید  
 مصرف کرد و امروز این ماده را نقض کنیم  
 اعتبار آن قانون ما را هم میرسد باین نظریه  
 بنده راجع باینست

اما آئین سمرقند خود قانون که دولت  
 از این پول بملکین بازار عین قرض بدهد  
 بنده مخالف نیستم که از طرف دولت بملکین یا  
 زارعین کمکی بشود ولی بجهت شکل در یک مملکتی  
 که حدود و نفوس املاک مردم معلوم نیست  
 در یک مملکتی که در هر شهری در ده هزار  
 نفره قیاله می نویسد ملک بنده را آقایان  
 پیش دیگری گرومی گزارد قنات  
 دیگری را دیگری می رود و دانگش  
 را ببالاش منتقل میکنند

بعد میرسد در جای دیگر برهن می  
 گذارد حالا اینها بجان همدیگر افتاده اند  
 در عدلیه و غیر عدلیه یک کاری میکنند  
 ولی دولت با آنها مطرف شود آنوقت بنده  
 مثلا نوی خانه ام نشسته ام می بینم دو دانگ  
 ملک دارم فلان آدم رفته و این دو دانگ  
 ملک مرا نزد دولت گرو گذارده و پول گرفته  
 و آن پول را هم خروده است آنوقت بنده  
 باید با اداره خالصه و اینطرف و آنطرف  
 بدم

مسائلی بنده در نظر دارم استدعا  
 می کنم آقایان التفات بفرمایند

البته خاطر مبارک آقایان هست در  
 موقعی که آقای زاهدی با اعتبار نامه  
 شاهزاده محمد ولی میرزا مخالفت میکردند  
 یک مسئله راجع به بارو و اربابان مذاکره  
 کردند و آن مسئله اش این بود که بارو  
 و اربابان دو ده بودند در آذربایجان  
 بارو مال حاج میرزا حسن آقای مجتهد بود  
 و اربابان مال یک کسی دیگر بود که  
 فروخته بود بوجهی شاه مرحوم و این  
 دو ملک با همدیگر سالها ذموی سرحدی  
 داشتند بعد کبر دو نفر متنفذ افتاد آن

سالی که آقای حاج میرزا حسن آغا آمدند  
 اینجا دو میانه افتادند که بین این دو نفر  
 یک اصلاحی بدهند اینطور قرار دادند که  
 نصف این ملک را حاج میرزا حسن آغا  
 به شاه بدهند و نصف آن ملک را هم شاه بدهد  
 بجای میرزا حسن آغا یعنی ۲ دانگ از آن  
 ملک را شاه فروخت حاج میرزا حسن آغا  
 و سه دانگ از آن ملک خودش را هم حاج  
 میرزا حسن آغا فروخت شاه و قباله دادند  
 و گرفتند و این قباله در جزه قبالات دولت  
 مانده بود پس از چندی که انقلاب شد  
 خانه مرحوم حاج میرزا حسن آقای مجتهد  
 را آتش زدند نوشتجاتش هم از بین رفت همه  
 که املاک محمد علی شاه بدولت منتقل شد  
 این قباله ۳ دانگ هم از توی کافه های بیرون  
 آمد و رفتند آن سه دانگ هم تصرف کردند  
 و هر چه این شخص داد و فریاد کرد که بابا  
 این ملک در تصرف من است اینطرف و  
 آنطرف زدند داد و فریاد کردند و بالاخره  
 آمدند اینجا و پس از مدت ها معا که کردن  
 ما توانستیم این را بگردن دولت بگذاریم  
 که این ملک متصرفی مردم است

امثال این خیلی است چند روز پیش  
 خود آقای وزیر مالیه لایحه زند آبادی را  
 آوردند اینجا زند آبادی یک ملکی است که  
 یک مردی از یک کسی گرفته دولت می  
 گوید یک وقتی رحیم خان این ملک را به لوی  
 یکی گرو گذاشته و حال آنکه معا که  
 شده است و محکومیت رحیم خان در دو سیه  
 خودشان با وجود این دولت دست گذاشته  
 روی آن ملک آن ملک را برده است و  
 بنده وکیل آن آدم بودم آخر رضی شدم  
 که ملک را از دولت بخرم چون یک دانگش  
 را دولت به توان خالصه ضبط کرده بود  
 این شخص ناچار بود و میگفت نماز نماند که انبم  
 از دستم خواهد رفت

بنده حالا هم عرض نمی کنم دولت قرض  
 ندهد ولی با گرفتن گرو ضمانت از اموال  
 منقول و الاملاکی که امروز حالش این  
 است که ثبت استناد در مملکت مانیت و  
 دخالت دارد

بچه دخالت دارد ضمیر دخالت دارد  
 اگر دولت در این کار دخالت پیدا کند  
 پدر مردم در می آید و هم مالک متضرر  
 میشود و هم پول مستخدمین از بین میرود  
 هم درت ناچار میشود که از بابت این پولها  
 فراموش بدهد و یک امتضاحی در خواهد  
 آمد

این است که بنده استدعا دارم این  
 قانون از دستور امروز خارج شود و رجوع  
 شود به کمیسیون قوانین مالیه یا به کمیسیون  
 نواد عامه و آقای معاون خودشان هم  
 حضور داشته باشند و اطراف این کار را  
 ملاحظه کنند و مجدداً بیارند به مجلس  
 این بود نظریه بنده دیگر بنظر بیاید  
 آقایان است

رئیس - ارجاع این لایحه به کمیسیون

باز بودجه صحیح بوده است و به کمیسیون  
قوانین مایه مربوط نبوده.  
آقای اخگر  
(اجازه)  
آقای اخگر - اساساً اصل موضوع که مطرح  
آمده است این است که برای یک  
باز بودجه معدودی یک پولی که احتیاجی عجلاناً  
نیست به مصرف زارمین برسد که تهیه  
تکوا و دیگر بان از برای خوراک خودشان  
و بکنند تا بتوانند زندگی کنند.  
حاج میرزا عبدالوهاب - عده کافی  
نیست.  
آقای اخگر - آقای رئیس است نه باجناب  
زاده عالی. تا میتوانند زراعت کنند که هم  
میان خودشان میتوانند زندگی کنند و هم از  
دیگر کمک نمایند.  
تمام مذاکراتی که در اطراف این  
موضوع میشود فقط مربوط است بیک  
مذاکره ای که میگوید اگر دولت بخواهد  
داخل معاملات ملکی بشود اسباب زحمت  
بسیار مردم خواهد شد.  
(در این موقع بعضی از نمایندگان از  
مجلس خارج ربهی میخواستند خارج  
شوند)  
آخگر - بنده چون می بینم آقایان  
مایل ندارند دلائل موافقت را گوش بدهند  
و بناچار شروع کنم از ابتدا و جواب یکی یکی  
میتوانم آقایان را که یادداشت کرده ام عرض کنم.  
آقای شیروانی در روز اول که مخالفت کردند  
بند کار بزرگ را باید با سرمایه بزرگ کرد.  
بنده نمیدانم چه کاری بزرگتر از  
حفظ حیات مردم است در این چاره ای میشود  
برای جلوگیری از گامی بیستی یک مبلغی  
خرج کرد.  
فوراً همه رای میدهند ولی برای حفظ  
حیات مردم (آدم) بایستی یک پولی داده  
شود و اینطور مخالفت میکنند آنهم مردمی  
که باید بشما نان بدهند.  
همین رعایای که در غار و شافویه و  
سایر ولایات هستند الان نان ندارند بخورند  
مذا که تا سال دیگر زنده باشند...  
عدل - بانک فلاحی درست کنید.  
رئیس - آقای اجازه صحبت نکنید.  
بها چرا خودتان حفظ انظام مجلس را  
بند نمیکنید؟  
آخگر - بایستی دست بکار بزرگ زد  
ولی بایستی اجازه داده شود که یک سرمایه  
بزرگی که حالا حاصل شده است این را تصویب کنند  
و اگر اجازه بکنیم اینها را دنیا که دارای  
سرمایه های بزرگ هستند بفرمایند پس بپسند  
ار که این سرمایه های بزرگ تمام جمع میشود  
و برای اینکه یک کارهای کوچکی جمع شود تا  
نتایج بزرگی حاصل شود.  
مردمی که در این مملکت حق حیات  
ندارند.  
مردمیکه با رای میدهند و مارا و کیل

میکند واجب تر از همه این است و سائل  
زندگانی مردم را فراهم کنیم و یک پولی که  
در اینجا احتیاجی بهش نیست و یک پولی  
است که فقط از این پول یک صراف خانه  
استفاده میکنند و در آنجا حساب شده و به بوجه  
من الوجوه مصرفی ندارد این پول را بطور  
موقت بدهید یک اشخاصی که سرمایه ندارند  
و بعد هم با ضمانت ملکشان پول را بگیرند  
و بگذارند سرچایش.  
در این جا گفته شد که دولت چطور  
شده است طلب طلبکاران را نمیدارد.  
و معامله با دولت خطرناک است. بنده عرض  
میکند دولت وقتی میتواند پولی را برآورد  
که در بوجه آن سال مجلس تصویب کرده  
باشد.  
اگر یک کسی علقه مند است (البته  
خود بنده هم علقه مندم) که طلب مردم  
وصول شود و یکی از اصول عقاید بنده است  
که مطالبه دولت هم با مردم باید مثل  
معامله مردم با مردم بزرگ از روی عدل و انصاف  
باشد یعنی از هر کسی طلب دارد وصول  
کند و بهر کس هم بدهکار است نباید  
بدهد.  
ولی دولت مختار و مجاز نیست که هر چه  
میخواهد پول بدهد.  
دولت مختار یکساله را نمیتواند و  
مبفرستد بمجلس و میباید بکمیسیون بوجه  
و در آنجا امان نظر میشود. اگر کسی  
علقه مند است که یک کسی که یک بوجهی  
را که از سینه ماضیه بدهکار است برآورد  
بایستی جزو یکی از مواد بوجه پیشنهاد  
کنند و وقتیکه بوجه میاید اینجا ممکن  
است آن  
موقع اظهار کنند و این مربوط با اینجا  
نیست.  
در اینجا گفته شد که من تلگراف دارم  
توی جیبم که یک انباری را شکسته اند و  
هر چه خواسته اند برده اند.  
بر فرض اینکه این مسئله هم صحت  
داشته باشد تازه تعدی یک مأموری در یک  
ناحیه ناقص اصول کلی نمیشود.  
بر فرض اینکه یک نفر از مردم یک  
کار خرافی قاعده بکنند بایستی نسبت به همه مردم  
سوء نظر داشته باشیم.  
همینطور یک نفر از اعضاء دولت وقتی  
که خطا کرد پس از آنکه رسیدگی شد  
و معلوم شد که خطا کرد دست مجازات می  
شود و این مربوط باین نیست که ما  
نسبت بیک لوابح عام المنفعه رای بدهیم و  
ومخالفت کنیم.  
بنده ملک ندارم و خیال هم ندارم که  
از این پول یک قرضی بکنم بجهت اینکه  
زارع نیستم ولی چیزیکه هست دفاعی که  
بنده میکنم برای اینست که بنده  
از این دروازه های طهران بیرون رفته ام  
و دیده ام که این بدبخت ها روغن ندارند  
توی چراغشان بریزند و تاریکی زندگانی

میکند و یقین دارم که اسامی نامهم ندارند  
بهر نرسد آقایانی که درست باورند نموده اند  
مسکنت تا ورامین و ساوجبلاغ و شهریار  
راهی نیست (میتوانند در عرض نیم ساعت  
با اتومبیل یک مسافت کوچکی بفرمایند)  
تشریف ببرند و روزگار مردم را ببینند.  
و آنوقت ملاحظه کنند ببینند واجب هست  
که یک پولی که فعلاً بیکار است و هیچ  
مصرف ندارد برای تأمین حیات این مردم بهشان  
داده شود یا نه؟  
فرمودند ما وقتی که یک پولی داشته  
باشیم با آن پول باید کارهای بزرگ بکنیم.  
از قبیل اینکه سد بیندیم  
بنده عرض میکنم این پول مال مردم  
است و بایستی از همان صندوق که برداشته  
میشود مجدداً در همان صندوق گذاشته  
شود اگر شما این پول را صرف بستن سد  
کردید آنوقت این پول را از کجای برمیگردانید  
توی صندوق و پس میدهند؟  
بلاخره غلت و مانعی ندارد که شما  
بمیتوان اینک میخواستید سد بیندید با اینکه  
یک پولی برای تسهیل امر زراعت مردم  
داده شود مخالفت کنید اگر خود شما یا  
دیگری یک پیشنهادی برای تسهیل امر  
زراعت بکنند شایسته است که بنده بگویم  
واجب تر این است که سد بسته شود  
این اصل غلط است. همه کارهای خوب را  
باید کرد.  
این یک کار خوبی است باید کرد  
شما هم یک کار خوب دیگری را پیشنهاد  
بفرمائید و مجلس را در نظر بگیرید ما هم  
موافقت میکنیم. میتوان اینک کار خوب  
زیاد است بایستی با هر کار خوبی مخالفت  
کرد.  
آقای شیروانی در ضمن مذاکراتشان  
فرمودند حالا که یک پولی هست و بناه  
است قرض داده شود خوبست مستخدمین  
دولت قرض داده شود خوبست بخود  
مستخدمین دولت قرض داده شود که قالیچه  
شانرا گرو میگذارند و تومانی دو عباسی  
منفعت میدهند ولی بنده عقیده ام بر هکس  
اینست.  
بنده معتمد که اگر قرض باید داده  
شود باید بانکسی داده شود که قالیچه  
ندارد و هیچکس توی اوراق را همتی نمی  
دهند.  
کازرونی - قالیچه میدهند که پول  
بگیرند.  
آخگر - گفته میشود مستخدمینی که  
حقوق تقاضا بآنها تعلق میگیرد از این  
مسئله نگران هستند و میترسند پولشان از  
بین برود.  
بنده عرض میکنم خوبست بخواهد  
دیگر مراجعه بفرمایند زیرا در آن مواد  
نوشته است که یک ملکی که سه برابر  
آن وجه قیمت داشته باشد باید رهن  
بگذارند.

این فرض محالست ولی فرض میکنیم  
که پولشان از بین برود تازه دارای یک  
ملکی خواهند بود که سه برابر قیمت  
دارد.  
در اینجا مکرر گفته میشود مأمورین  
دولت تعدی میکنند و زیادتر از میزان  
مالیات از مردم میگیرند ولی در همین حال  
هم گفته میشود که دولت نمیتواند مطالب خود  
را وصول کند.  
بلاخره این پول که داده میشود یک  
مال الاجاره ای دارد که فرضاً اگر سوخت  
سوزی هم پیدا کند اضافه آن مال الاجاره  
جبران آن کشور احتمالی را خواهد  
کرد.  
فرمودند که یک خانوادای مسکنت  
چندین مرتبه برونند پول بگیرند یعنی  
یک مرتبه بدر برود یک مرتبه پسر برود  
و یک مرتبه هم سایر اشخاص برونند  
بگیرند.  
بنده عرض میکنم اینطور نیست  
برای اینکه در مقابل یک وثیقه ای پول  
می دهند.  
گفته شد در اینجا که یک پول هائی  
تومانیا نس گرفته و خورده است این هیچ  
ربطی بحساب ندارد تومانیا نس بکنفر تاجر  
بوده است و اگر یک نکسی به یک  
تجارخانه ای وارد شده مربوط باین کار  
نیست.  
اگر هم فرض در اینست که یک  
اشخاصی برونند و ملک اشخاص دیگری را  
پیش دولت گرو بگذارند آقایان مستعضر  
باشند که اداره ثبت اسناد برای همین مسئله  
تشکیل شده و البته دولت هم مواظبت کامل  
خواهد کرد که یکس که میخواهد پول بدهد  
بدون جهت نهد.  
بنده از آقایان تقاضا میکنم قدری  
بیشتر توجه بفرمایند که یک پول بلامصرفی  
که در یک جائی مانده برای تأمین حیات  
عدمهای از مردم که باید زنده باشند و  
کار بکنند و دولت یا بنده یا سایرین  
از دست رنج. آن ها استفاده کنیم داده  
شود.  
معاون وزارت مایه - اجازه بفرمائید  
بنده برای توضیح یک مرضی بکنم  
در باب پول اعزاز ارومیه و رومانیا نس و  
گیلانی ها و غیره که یک مذاکراتی شد  
اجمالاً اینست که بعضی آقایان میرسانم  
اعانه ارومیه که پیش تومانیا نس بوده است  
مسترد شده است و آنچه که باید باهائی  
ارومیه داده شود بین اهالی توزیع شده  
و از معالی هم که بوده وصول شد و صورت  
های منظم دارد و از آن بابت چیزی تفریط  
نشده.  
یکی هم راجع باهانه گیلانی ها است  
آنها هم دولت با اشخاصی که داده است  
با تساطعی که مقرر بوده مسترد شده و بعضی  
ها هم بدلیل اینکه استطاعت نداشته اند یک

مهلتی علاوه بر آن مدت داده شده  
است.  
رئیس - آقایان مذاکرات را کافی  
نمی دانند؟  
بعضی از نمایندگان - کافیست.  
بعضی گفتند - کافی نیست.  
رئیس - رای بگیریم بکفایت مذاکرات  
در ماده اول. آقایانی که کافی میدانند قیام  
فرمایند.  
(جمعی قیام نمودند)  
رئیس - کافی نیست. چند دقیقه نفس  
داده میشود.  
(در این موقع جلسه برای نفس تعطیل  
و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)  
معاون وزارت مایه - برای تفریح  
بوده سال ۱۳۰۱ لوابحی تدریجاً که  
هر کدام مربوط بوده است بیکی از  
وزارتخانه تقدیم شده و حالا لایحه قطعی  
برای تفریح بوجه کل مملکتی از بابت  
سنه ۱۳۰۱ تقدیم میشود.  
رئیس - بکمیسیون بوجه تقدیم ارجاع  
میشود.  
معاون وزارت مایه - لایحه ایست از  
بابت مستوری وراثت مستخدمین متقاعدین  
ادارات پست و تلگراف که در سینه گذشته  
هم هست و تصویب شده است و برای  
هنده البته هنوز تقدیم نشده بود این لایحه  
هم تقدیم میشود و استدعای توجه سریع  
مجلس را نسبت بانجام این لایحه دارم  
برای اینکه وراثت مستخدمین تا بحال  
چیزی از بابت حقوقشان دریافت نکرده  
اند.  
رئیس - جمعی از آقایان تشریف  
برده اند عده برای مذاکره کافی است  
ولی برای رأی کافی نیست جلسه را ختم  
میکنیم و ضمناً اعلام میکنم باینکه در سابق  
معمول بوده است که بعضی از آقایان در  
وسط جلسه یا اول جلسه یا آخر جلسه  
اجازه مرخصی میخواستند و اجازه مرخصی  
شان هم تصویب میشده است ولی از این  
تا راجع تصویب نخواهد شد.  
جلسه آینه روز یکشنبه سه ساعت  
و نیم قبل از ظهر. دستور هم بدین دستور  
امروز.  
(مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر  
ختم شد)  
رئیس مجلس شورای ملی -  
سید محمد تدین  
منشی ۱ - شهاب  
منشی ۲ - علی خطیبی  
جلسه ۲۱۷  
صورت مشروح مجلس  
یکشنبه ۲۴ آبانماه ۱۳۰۴  
مطابق بیست و هشتم  
ربیع الثانی ۱۳۴۴  
مجلس دو ساعت قبل از ظهر ریاست  
آقای تدین تشکیل گردید

( صورت مجلس ۵ شنبه بیست و یکم  
آبان ماه را آقای آقا میرزا شهاب الدین  
قرائت نمودند)  
رئیس - آقای اجاق  
( اجازه )  
اجاق - قبل از دستور عرض دارم  
رئیس آقای افشار  
( اجازه )  
افشار - قبل از دستور عرض دارم  
رئیس - آقای کازرونی  
( اجازه )  
کازرونی - بنده هم قبل از دستور  
عرض دارم  
رئیس - آقای امامی  
( اجازه )  
امامی - قبل از دستور  
رئیس - آقای رضوی  
( اجازه )  
رضوی قبل از دستور  
رئیس - آقای عدلی  
میرزا یوسف شان عدلی - بنده آنروز  
که راجع به لایحه فرضه فلاحی عرایضی  
کردم ضمناً یک پیشنهادی هم تقدیم کرده  
بودم که از دستور خارج شود و این در  
صورت مجلس نوشته شده است خوب است  
آنهم در صورت مجلس نوشته شود  
رئیس - پیشنهاد کرده بودید ولی در  
مجلس مطرح نشد چون عده کافی نبود  
چیزی که در مجلس معارض نشود در  
صورت مجلس نوشته نمی شود. آقای ضیاء  
آقا سید ابراهیم ضیاء - قبل از دستور  
عرض دارم  
رئیس - آقای نظامی  
( اجازه )  
نظامی - قبل از دستور عرض دارم  
رئیس - نسبت بصورت مجلس مخالفی  
نیست؟  
( بعضی گفتند خیر )  
رئیس - صورت مجلس تصویب شد  
آقای اجاق  
( اجازه )  
آقای سید حسن اجاق - بنده هیچوقت  
مایل نبودم وقت آقایان را تعییع کرده  
باشم متأسفانه وقتی اجبار شد لازم میشود  
چند دقیقه وقت آقایان تعییع کرده  
باشم. اگر چه عرایضی که اینجا  
میشود و همینطور برونه اجمال خواهد ماند  
و اثراتی براو مترتب نیست ولیکن وکیل  
ناگزیر است مطالب خودش را بر عرض آقایان  
برساند.  
چند جلسه است که یک لایحه برای  
قرض فلاحی آمده بجهت آسایش حال  
زارمین و فلاحین و وقت مجلس را سه جلسه  
است گرفته و شاید متواتراً سه جلسه دیگر  
هم وقت صرف اینکار شود.  
همه آقایان صرف آسایش زارمین

و فلاحین است ولی افسوس که توجهی ندارند  
تا ببینند در ولایات چه بلایاتی بر زارمین  
و فلاحین میاید خاصه در اطراف طهران  
همه بودید و شنیدید با سال در طهران وضعیت  
نان و ارزاقش خوب نبود و همه اطلاع  
دارید.  
این درائر شفلت اشخاصی بود که باین  
کار واداشته بودند که غفلت کردند و این  
روزگار را بر سر مردم آوردند. این بود که  
در اثر اقدامات مجدانه دولت حاضر رئیس  
دولت اقداماتی شد و الحمد لله تشویشانی که  
بوده است تا اندازه رفع شده است ولی  
افسوس که آن دستوراتی که داده شده هیچ  
یک بوقع اجرا گذارده نشد و نمیشود.  
دستوراتی داده شده که مالکین گندمی  
که دارند بقد زراعتشان و نااشان بگذارند  
مازاد او را حمل کنند به همین دستورات ولایات  
متحد المال داده شد و مأمورینی باطراف و  
اکناف فرستاده شد.  
حالا بنده عرض میکنم در کرمانشاه  
چه شده است سختی اینجا را که دیدم مرضی  
ندارم و هر کس گندم زیادی دارد البته باید  
بدهد ولی در بلوک سنقر و گیلانی مأمورینی  
فرستاده شده و تمام آنجا خورده مالک  
هستند و بالکلین و زارمین آنجا صدمه  
رسیده.  
این مأمورین فظاظ و شداد وقت را  
مقتدم شرده و بمناوین مختلفه میروند در  
دهات و بزارع میگویند گندم داری هر چه  
میگویند گندم ندانم این مال بذر است حرف  
آنها بجائی نمیرسد تلگرافات عدیده هم  
آمده بنده همه را مراجعه بمقامات مربوطه  
کردم نتیجه نبخشید.  
ده دوازده روز قبل تلگراف از همدان  
رسید چند نفر شکایت کرده بودند که  
متحد المال که داده شده خوب است همان  
طور با ما عمل کنند بقدر بذر و کفایت نان  
ما بدهند و مازاد را ببرند ولی مأمورین عمل  
نمی کنند.  
بنده این تلگراف را دادم خدمت  
آقای کفیل ریاست وزراء که شاید زودتر  
بموقع اجرا بگذارند و یک تسهیلاتی برای  
مردم فراهم کنند متأسفانه از آن روز تا کنون  
خبری نرسیده است تلگراف دیگری از  
سنقر رسیده که اهالی در تلگرافخانه متحصن  
شده اند.  
تلگراف دیگر را خدمت آقای همدان  
وزارت مایه دادم که حضور دارند ایشان  
هم البته حسب الوظیفه باید ارجاع کنند  
ب ادارات مربوطه خودش بهر اداره هم که  
رجوع میشود باید مدتی در کابینه بماند  
از کابینه که گذشت با اداره تشخیص مایهات  
واز آنجا بشعبه امر ارزاق برود آنها هم  
هنوز در تلگرافخانه متحصنند.  
بنده عرضی ندارم که گندم در آنجا  
هست یا نیست اگر هست البته باید حمل  
شود و مال گندم دارم پیش از یازده تومان

نباید باشد ولی مال زارع را نباید باین  
طور بکنند که رهت قرار کند و جمعی بیایند  
همدان و جمعی در تلگرافخانه آنجا مالکین  
عده ندارد که دوست خروار و سیصد  
خروار و هفتصد خروار داشته باشد بلکه  
اگر دارد پنجصد خروار دارد.  
بیست و پنج خروار دارد آنهم مالکش  
ولی زارع بدبخت چه کرده است و دولت  
وقت یک حکمی را هم که میدهد آن حکم  
را هم بموقع اجرا نمی گذارند  
بنده تقاضا دارم از مقام معزز ریاست  
کتابت ف توجه بفرمائید و یاد آوری  
کنند که شاید زودتر  
مأمورین صحیح العمل بفرستند و همان  
دستور العملی که داده شده بموقع اجرا  
بگذارند.  
آخگر برای کفایت خودشان هست  
بگذارند مابقی را اگر دارند حمل کنند.  
این یک فقره.  
فقره دیگر اینست که همه همان معالوف  
باین است که آسایش مردم را فراهم بیاوریم  
و برای زارع و فلاح پولی تهیه کنیم که  
قرض کنند و کمتر منافعی بر آنها تعلق  
بگیرد.  
افسوس که ما این را در نظر داریم  
ولی از راه دیگر روز بروز بر عده فقرا و  
ضعفای این مملکت مینمائیم و آنها است  
جمعی از اداره حمل و نقل طلبکارند و  
شکایات عدیده بکمیسیون عرایض رسیده  
چنانچه اعضاء کمیسیون عرایض بوده اند  
در این جلسات و دیده اند چقدر شکایات  
رسیده همه را مراجعه کرده اند و نتیجه  
نبخشید.  
باینکه در این اواخر باسم ارباب  
طلب مایه یک مبلغی بجزه بودجه خودش  
برای هدایا آورده و همه را آورده داده  
اند باینکه وقتی بوجه گذشت طلب شده داده  
می شود.  
جمعی از ارباب طلب بطهران آمده  
والان هم هستند. بکنفر یکسال و نیم  
است بطهران آمده نهصد تومان با بکار  
است.  
یک نفر کاسب که نهصد تومان طلبکار  
است معلوم است حال او چیست. صد  
تومان باو رسیده است این صد تومانی را  
یکسال و نیم است گذران کرده است و حالا  
هم زمستان رسیده و عیالاتش آنجا و بلان  
هستند.  
ارباب طلب کی ها هستند؟؟ سوال  
است. علاف است. سورجی است. نعلبند  
است. این اشخاص چه بضاعتی دارند که  
بمدار چندین سال وجه آنها بایند بآنها  
نرسد؟  
این آقایان که اینجا این همه عاطفه  
دارند و همه روزه یک لایحه می آورند  
می گذرانند و وجوهائی از بیت المال تقسیم  
می کنند چرا اینها را نمی آورند بگذارند؟؟

حالت چیست؟  
 علت اینکه باید طلب این اشخاص که از حبل و نقل طلبکارند در بونه اجمال بماند و سه سال و چهار سال بماند؟ الان جمعی در طهران و ایران همه روزه اسباب زحمت و کلا میشوند و خودتان اکثر آنها را دیده اید چه علت دارد که باید طلب حقه آنها را نهند؟  
 اگر بفلان علاف صد تومان دویت - تومان سرمایه نرسد غیر از اینکه از کاسبی دست بکشند و مشغول تکدی شود - چاره ندارد.  
 استه عائی که دارم اینست از مقام محترم ریاست که امر کنند که آن فرضه که باسم از ب طلب از اداره حمل و نقل است آنها را یک لایحه علیحدت بیاورند و از لحاظ مجلس بگذرانند شاید زودتر گذرد که نصف ربع خمس هر چه ممکن است بآنها بدهند شاید در این سرزمستان باهاله شان بتوانند زندگی کنند - دیگر عرضی ندارم و بخدا سپردم.  
 معان وزارت - البته شرحی که در باب رفتار ما و وزیر مالیاتی فرمودند مخصوصاً شکایاتی که اخیراً از سنقر و کلیائی رسیده است که نظیر هم خیلی داشته است خود ایشان اطلاع دارند که در وزارت مالیه دستور چگونه داده شده اتفاقاً بنده دیروز متوجه شدم باینکه بینم متحدان آنی که داده شده است یا دستور و احکامی که بانصوص بامورین اوزاق داده شده است - چندتا بوده است.  
 تقریباً گوید یازده متحدان مال است که ما با ما و وزیر اوزاق داده ایم که مفاد و معنای آن متحدان اینست که باید بعد از وضع مقدار بندر و احتیاج اهالی سزاد آنچه باید حمل کنند یا برای مرکز یا از نقطه نقطه دیگر که برای تأمین اوزاق بکار برود از وزارت مالیه در هر صورت اساس دستور بین بوده است - تا کیدات زیاد شده است و از هر مجلس هم که شایست رسیده است بلافاصله بامورین آنها تذکر داده شده - برای سنقر و کلیائی هم که در چند روز قبل آفات لنگر افش را لطف کردند و فوراً بان اداره فرستاده شده است و دیروز خبر گرفته شد از اینجا هم باز یک دستوری تهیه کرده اند مخصوصاً برای همدان و کرمانشاه که نسبت به سنقر و کلیائی هم رعایت این مسائل بشود.  
 در هر صورت آنچه ممکن است در وزارت مالیه عمل شده است.  
 مع هذا عرض میکنم مسئله کارجنس و اوزاق امسال یک چیزی است که در واقع تماس میکنند.  
 یعنی موثر شده است بر فردا اهالی و سکنه این ملک است.  
 این یک چیزی نیست که از او شکایت

بیرون نیاید و این چیزی نیست که قطعاً بگوئیم نیت موثی در بین نبود.  
 بنده فرمایشات آقا را تکذیب نمیکنم.  
 در سنقر و کلیائی هم اهالی حق دارند ولی بطور کلی تمام این شکایاتی که قضای ملک را فرا گرفته است در میانش ممکن است پیدا شود اشخاصیکه منظور سوئی داشته باشند و بخواهند جنشان را نگاهدارند این قبیل چیزها هم هست.  
 در هر حال امیدوارم که انشاءالله بهران این قضیه بکلی خاتمه پیدا کرده باشد یعنی اینکه در هر جا هر مقدار جنس که لازم بوده برای آنجا الی موقع خودش تهیه کرد - باشند و بیش از این هم دیگر متعرض مردم نباشند و مردم ضمنناً فهمیده باشند که برای آسایش عامه بهتر این است که منافع و راحتی مشخص خودشان را زیاد منظور ندارند و اگر جنس دارند نباید بدهند.  
 در هر صورت این قسمت امیدوارم زیاد دنباله نداشته باشد - برای مطالبات از بابت طلب اداره حمل و نقل هم مدتی است که وزارت مالیه مشغول جمع آوری اسناد این مطالبات بوده است یعنی اسناد و خرج و اوزاق پست و تلگراف هم مکاتبه زیاد شده است اوزاق زیادی هم رد و بدل شده است و دلائل معطلی هم بداند که این است که وزارت مالیه مادام که اسناد خرج کامل برای هر چیزی که واقع شده است درست نداشته باشد پدیده است که وجه نتواند بپردازد.  
 وجه حاضر است و از تصویب مجلس شورای ملی هم گذشته است و همه چیزش هم مهیا است و اسناد خرج وقتی کاملاً و تماماً تهیه شد وجهش هم برداشته می شود.  
 رئیس - آقای کازرونی (اجازه)  
 کازرونی - بنده فقط خواستم اعضا محترم کمیسیون مالیه را تذکر بدهم با استدعا کنم که زودتر این لایحه میزیری را بمجلس بیاورند که مانا این چند روز دیگر که از عمر مجلس بمانی است افلا این قانون را که از مجلس میگردد در وزارت مالیه برای تقلیل تعدیبات مأمورین جزه مؤثر کنیم.  
 بنده کشفی که اخیراً کرده ام مویبتم وزارت مالیه هم خیلی تقصیر ندارد هر چه هست از مأمورین جزه است حالا چه هست کارندارم - مأمورین جزه عواقماً ممرکه میکنند.  
 پس آقایان هر طوریکه میتوانند جلو گیری بکنند قبل از وقت باید بکنند و مردم را باین حال نگذارند این را تذکر میدهم والا کار ملک مشکل میشود و امر

زندگی خیلی سخت میشود - دیگر بسته بنظر آقایان است.  
 رئیس - آقای امامی (اجازه)  
 امامی - تقریباً در اواسط سال گذشته یک طرحی از طرف آقایان نمایندگان بمجلس تقدیم شد راجع به معافیت سلفاس و قسمتی از خوی و راپرت آنها از کمیسیون مبتکرات بمجلس آمد و در مجلس قابل توجه شد مراجع شد بکمیسیون قوانین مالیه.  
 ولی تاکنون تکلیف آن زمین نشده از مقام ریاست تنها میگویم بکمیسیون قوانین مالیه تذکر بدهند که تکلیف آن طرح را معین کنند تا اعلالی سلفاس و خوی و آن قسمتهائی که در آن طرح ذکر شده است تکلیف خودشان را بدانند از فراتر لنگر افش که اخیراً آمده گویا از طرف مالیه بیضی از دهات سلفاس متعرض میشوند و مالیات مطالبه میکنند استدعا میکنم تکلیف آنرا معین کنند.  
**جمعی از نمایندگان دستور**  
 رئیس - چون بیست و دوم آبانماه جاری مدت شصت مستقر بمجلس منقضی شده است امروز شعب انتخاب میشود بنده نمایندگان حاضر دهم کر صد و هفت نفر ابتداء بهر شعبه ۱۷ نفر میرسد و باقی مانده هم تقسیم میشود.  
 (آقای خطیبی استقراغ نموده شعب شصت به ترتیب ذیل معین گردید)  
 شعبه اول:  
 آقایان آقا شیخ محمد علی طهرانی - اتحاد - آقا میرزا محمد خان معظمی - حاج میرزا احمد خان اتابکی - حاج آقا اسمعیل - هراقی - سلیمان میرزا - حاج میرزا اسدالله خان.  
 اخیراً حاج شیخ عبدالرحمن صالحی - میرزا حسینخان اسفندیاری - آقا سید عبدالحمین صدر - سلطانی - دکتر محمدخان مصدق - شریعت زاده - کی استوان - ایزدی - ناصر ندامانی.  
 شعبه دوم:  
 آقایان - آقا سید جواد محقق - آقا میرزا مهدیخان زاهدی - آقا سید علاءالدین - آقا میرزا حسینخان بزرگ - حاج حسن آقا - ملک - سهرابزاده - آقا شیخ جلال اسمعیل خان قشقائی - سیف الله خان اسکندری - لطف الله خان لبقوئی - یاسائی - آقا میرزا حسن خان بیزینا - محمد تقی خان احمد - میرزا رضاخان حکمت - دکتر امیرخان اعلم - آقا میرزا عبداللہ خان معتمد - آقا میرزا حسینخان دادگر.  
 شعبه سوم:  
 آقایان آقا سید ابوالفتح - دیواییکی - آقا میرزا محمودخان وحید معتمد - آقا میرزا محمد نجات - آقا سید حسن کاخانی - آقا سید

مصلحتی بهمانی - محمد ولیخان اسدی - نوری زاده - صدرائی - آقا شیخ محمد علی ثابت هرمزی - آقا میرزا سید احمد خان اعتبار - میرزا صادق خان اکبر - دستغیب - هابم - آقا میرزا ابوالحسن خان بیزینا شعبه چهارم:  
 آقایان ارباب کبیسرو - آقا سید حسن مدرس - کازرونی - دکتر آقایان - آقا سید کاظم ایزدی - آقا شیخ فرج الله - آقا میرزا جوادخان امامی - آقا سید حسن اجاقی - محمد خان و کلبی - شیروانی - اسمعیل خان وکیل تدین - رضوی - حبیب الله خان شادلو - حاج میرزا یحیی دولت آبادی - فرج الله خان آصف میرزا پدالخان نظامی.  
 شعبه پنجم:  
 آقایان آقا سید ابراهیم ضیاء - حیدر تلی میرزا حشمتی - حاج میرزا رضا دامغانی - آقا سید یعقوب - آقا سید محمد علی شوشتری مفتی - آقا میرزا یوسفخان عدل - آقا شیخ علی مدرس - یحیی خان زنگنه - آقا میرزا رضاخان افشار - عطاءالله خان روحی - میرزا آقاخان عصر انقلاب - رهنا - میرزا حسن خان مشار - محمدولی میرزا - آقا سید حسنخان زعیم - سهرابخان.  
 شعبه ششم:  
 آقایان - آقا میرزا محمد تقی بهار - آقا میرزا شهاب - آقا میرزا حسینخان علائی - طباطبائی دیا - میرزائی - داوود - سلطان ابراهیمخان افخمی - آقا میرزا باقرخان عظیمی - آقا میرزا هاشم آشتیانی - آقا سید محی الدین - آقا رضا مهدوی - دکتر حسین خان بهرامی - حاج آقا رضا رفیع آقا میرزا حسنخان مستوفی - محمد هاشم میرزا - حاج میرزا علی رضا - آقا میرزا اسمعیل خان اصلولو.  
 رئیس - پنج نفر اضافی از شعبه اول تا پنجم بهر شعبه یک نفر اضافه میشود (به ترتیب ذیل معین شد)  
 شعبه اول:  
 آقا میرزا علی خان خطیبی.  
 شعبه دوم:  
 آقا میرزا احمد خان بهمانی.  
 شعبه سوم:  
 آقا میرزا حبیب الله خان کالوند.  
 شعبه چهارم:  
 آقا میرزا حاجی خان بیات.  
 رئیس - در موقع تنفس آقایان شعب ششگانه را تشکیل داده هیئت رئیسه خودشان را انتخاب میفرمایند و در ضمن هر شعبه دو نفر یکی برای کمیسیون برایش و مرخصی و یکی هم برای کمیسیون مبتکرات انتخاب میفرمایند.  
 معاون وزارت مالیه - در چند روز قبل یک لایحه تقدیم کردم راجع باعتبار بنیاده هزار تومان برای مصارف انتخابات اعضا مجلس مؤسسان.

نظر باینکه بعضی مخارج مختلف هم ممکنست پیش بیاید از قبیل تشکیل مجلس مؤسسان و تعمیر مکان و این قبیل چیزها در آن لایحه قید نشده بود برای اینکه راجع بمخارج تشکیل مجلس مؤسسان هم تصویب مجلس در دست باشد برای اصلاح آن ماده لایحه تقدیم میشود و استدعا میکنم بغوریت جزء دستور شود.  
 رئیس - لایحه پیشنهادی فدرالت میشود.  
 (شرح ذیل خوانده شد)  
 مجلس محترم شورایی نظر باینکه مجلس مؤسسان که عنقریب تشکیل میشود علاوه بر مخارج انتخاب اعضا محتاج مخارج دیگر از قبیل تهیه مکان و سایر لوازم آن نیز میباشد و در قانون مورخه هفدهم آبانماه ۱۳۰۴ که پنجاه هزار تومان اختیار برای مجلس مؤسسان تصویب شده و باین واسطه وزارت مالیه مجبور خواهد بود که از محل مزبور سایر مخارج را بپردازد لهذا پیشنهاد میشود که ماده واحده مصوبه سابق الذکر بطریق ذیل اصلاح شود.  
 ماده واحده - بوراز - مالیه اجازه داده میشود که از محل صرفه جوئی بودجه در بار بابت چهار ماه آخر سال ۱۳۰۴ مبلغ پنجاه هزار تومان برای مخارج تشکیل مجلس مؤسسان بپردازد.  
 رئیس - نسبت بغوریت این لایحه مخالفتی نیست؟  
 یک نفر از نمایندگان کان - اصلاح عبارتی دارم.  
 رئیس - بعد اصلاح میشود - عجلاناً رأی میگیریم بغوریت - آقایانی که فوریت این لایحه را تصویب می کنند قیام فرمایند.  
 (اقلب برخاستند)  
 رئیس - تصویب شد - آقایان البته متذکر هستند که این ماده باین ترتیبی که پیشنهاد شده است اصلاح ماده سابق نیست و یک ماده علیحدت است.  
 اگر چنانچه این اصلاح تصویب شود لازم است این خواهد بود که مجلس دو پنجاه هزار تومان تصویب کرده است یکی برای انتخاب اعضای مجلس مؤسسان و یکی هم برای تشکیل مجلس مؤسسان و حال آنکه مقصود وزارت مالیه این بوده است معاون وزارت مالیه - مقصود وزارت معاون وزارت مالیه این لایحه این است که آن پنجاه هزار تومانی که از تصویب مجلس گذشته است بعنوان آن لایحه مصارف انتخاب اعضا مجلس مؤسسان بوده است و با آن اعتبار مخارجی هم از قبیل ترتیب بنا و تشکیل آن مجلس مصرف کند باین جهت این لایحه پیشنهاد شد و مبلغ هشتاد که تصویب شده است رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خواستم عرض کنم درین لایحه پیشنهادی وزارت مالیه نوشته شده است از بابت صرفه جوئی چهار ماه آخر سال مخارج دربار در صورتیکه باید از تمام آبانماه نوشته شود و باید این قید در بنجا ذکر شود.  
 معاون وزارت مالیه - اظهارات نماینده محترم مجلس لکن در وزارت مالیه کلبه چیزهائی که برای یک اعتباری معین میشود بدیهست از تاریخگی که وجهی مورد مصرف پیدا کرده است آن وجه را بعنوان صرفه جوئی کنار میگذارند.  
 رئیس - آقای افسر (اجازه)  
 معده هاشم میرزا افسر - بنده میخواستم عرض کنم این لایحه اصلاح لایحه سابق است یا مکمل است یا لایحه تانی است؟ بقید بنده این یک لایحه تانی نیست و گمان میکنم آنرا برای یک مصارف معینی مجلس رأی داد و تصویب کرد و اگر حالا باید در غیر از آن مصارف هم خرج شود باید آن لایحه اولی نسخ و این لایحه تصویب شود.  
 رئیس - آقای بیات (اجازه)  
 مرتضی قلی خان بیات - بنده همی خواستم عرض کنم لایحه اولیه که رأی داده شد برای مخارج انتخاب اعضا مجلس مؤسسان ازین پول صرف کنند و این لایحه تانی هر دو قسمت مصرف را دارا خواهد بود.  
 بنا بر این همانطور که مقام ریاست فرمودند آن لایحه اولی باید نسخ و این لایحه بجای آن تصویب شود برای اینکه اگر این لایحه هم تصویب شود در واقع دو پنجاه هزار تومان تصویب شده است.  
 معاون وزارت مالیه - استدعا میکنم آقایان برایش بنده توجه بفرمایند - اگر عبارت ماده محتاج اصلاحی باشد مقصود باشد و یک اجازه جدیدی باشد برای پرداخت زانرا ساد البته ممکنست تغییرش داد عرض کردم یک لایحه مجلس تصویب فرمود پنجاه هزار تومان برای انتخاب اعضا مجلس مؤسسان و یک مورد دیگر هم غیر از انتخاب مجلس و بقیه مخارج متفرقه و این مخارج هم باید از همین پنجاه هزار تومان اعتبار مصرف بشود و در لایحه ادلی فقط نوشته شده بود مصارف انتخاب اعضا مجلس مؤسسان و بقیه مخارج نوشته نبود.  
 ما خواستیم که کارمان کامل بر مدار قانونی باشد و چون اختیار نداشتیم از این اعتبار بمصرف مخارج دیگری برسانیم این بود که آن ماده باین طریق اصلاح و پیشنهاد شد.  
 پس پنجاه هزار تومان یکی است و سایر مخارج هم از همان اعتبار مصرف

وزارت مالیه مجازات سدرج تصدیق و سایر مخارج مربوطه بمجلسی جوسساز را از محل اعتبار پنجاه هزار تان که برای مخارج انتخابات مجلس مؤسسان در مقدمه آبانماه ۱۳۰۴ تصویب شده است بپردازد.  
 رئیس - پیشنهاد آقایان شریعت زاده و اشگر هم قریب همین مضمون است معاون وزارت مالیه - بنده پیشنهاد آقای آقا میرزا شهاب را قبول میکنم رئیس - نسبت باین پیشنهاد مخالفتی نیست؟  
 رئیس - رأی میگیریم باورقه - یک نفر از نمایندگان کان - رأی باورقه لازم نیست.  
 رئیس - این قسمت قبلاً تصویب نشده بود - رأی گرفته میشود باورقه ورقه سفید هلاکت قبول - ورقه سیاه علامت رد است.  
 (احدواستغراج آراء عمل آمده نتیجه بطریق ذیل حاصل شد)  
 ورقه سفید هلاکت قبول ۷۵  
 رئیس - همه حاضر هشتاد و پنج باصتدریت هفتاد و پنج رأی تصویب شد.  
 اسامی رأی دهندگان:  
 آقایان - آقا میرزا صادقخان - آبر - حاجی حسن آقا ملک - آقا سید ابراهیم ضیاء - حاجی آقا اسمعیل - هراقی - حائری - زاده - طباطبائی دیا - طهرانی - ناصر ندامانی - مرتضی قلی خان بیات - دکتر امیر خان اهلر - آقا میرزا یوسف خان دستغیب - حاجی میرزا علی رضا - حاج آقا رضا رفیع - حاجی شیخ عبدالرحمن صالحی - آقا میرزا سلیمان ایزدی - روحی - میرزا محمد خان معظمی - حاج میرزا عبدالوهاب - اسکندری - میرزا جواد خان امامی - یاسائی - لطف الله خان - لبقوئی - میرزائی - آقا سید علاءالدین - حبیب الله خان کالوند - زاهدی - آقا میرزا آقاخان عصر انقلاب - آقا سید ابوالفتح - حیدر قلی میرزا حشمتی - محمد هاشم میرزا افسر - آقا شیخ جلال الدین - آقا شیخ محمد علی ثابت - آقا سید عبدالحمین صدر - میرزا حسین خان دادگر - محمد ولی میرزا فیروز - آقا میرزا رضاخان افشار - اشگر - رهنا - اسمعیل خان قشقائی - آقا میرزا رضاخان - حکمت - آقا سید کاظم ایزدی - یحیی خان زنگنه - شیروانی - سلطان ابراهیمخان افخمی - کی استوان - آقا میرزا علی خان خطیبی - آقا میرزا باقرخان عظیمی - شریعت زاده - آقا میرزا عبداللہ خان معتمد - محمد تقی خان

وزارت مالیه مجازات سدرج تصدیق و سایر مخارج مربوطه بمجلسی جوسساز را از محل اعتبار پنجاه هزار تان که برای مخارج انتخابات مجلس مؤسسان در مقدمه آبانماه ۱۳۰۴ تصویب شده است بپردازد.  
 رئیس - پیشنهاد آقایان شریعت زاده و اشگر هم قریب همین مضمون است معاون وزارت مالیه - بنده پیشنهاد آقای آقا میرزا شهاب را قبول میکنم رئیس - نسبت باین پیشنهاد مخالفتی نیست؟  
 رئیس - رأی میگیریم باورقه - یک نفر از نمایندگان کان - رأی باورقه لازم نیست.  
 رئیس - این قسمت قبلاً تصویب نشده بود - رأی گرفته میشود باورقه ورقه سفید هلاکت قبول - ورقه سیاه علامت رد است.  
 (احدواستغراج آراء عمل آمده نتیجه بطریق ذیل حاصل شد)  
 ورقه سفید هلاکت قبول ۷۵  
 رئیس - همه حاضر هشتاد و پنج باصتدریت هفتاد و پنج رأی تصویب شد.  
 اسامی رأی دهندگان:  
 آقایان - آقا میرزا صادقخان - آبر - حاجی حسن آقا ملک - آقا سید ابراهیم ضیاء - حاجی آقا اسمعیل - هراقی - حائری - زاده - طباطبائی دیا - طهرانی - ناصر ندامانی - مرتضی قلی خان بیات - دکتر امیر خان اهلر - آقا میرزا یوسف خان دستغیب - حاجی میرزا علی رضا - حاج آقا رضا رفیع - حاجی شیخ عبدالرحمن صالحی - آقا میرزا سلیمان ایزدی - روحی - میرزا محمد خان معظمی - حاج میرزا عبدالوهاب - اسکندری - میرزا جواد خان امامی - یاسائی - لطف الله خان - لبقوئی - میرزائی - آقا سید علاءالدین - حبیب الله خان کالوند - زاهدی - آقا میرزا آقاخان عصر انقلاب - آقا سید ابوالفتح - حیدر قلی میرزا حشمتی - محمد هاشم میرزا افسر - آقا شیخ جلال الدین - آقا شیخ محمد علی ثابت - آقا سید عبدالحمین صدر - میرزا حسین خان دادگر - محمد ولی میرزا فیروز - آقا میرزا رضاخان افشار - اشگر - رهنا - اسمعیل خان قشقائی - آقا میرزا رضاخان - حکمت - آقا سید کاظم ایزدی - یحیی خان زنگنه - شیروانی - سلطان ابراهیمخان افخمی - کی استوان - آقا میرزا علی خان خطیبی - آقا میرزا باقرخان عظیمی - شریعت زاده - آقا میرزا عبداللہ خان معتمد - محمد تقی خان

وزارت مالیه مجازات سدرج تصدیق و سایر مخارج مربوطه بمجلسی جوسساز را از محل اعتبار پنجاه هزار تان که برای مخارج انتخابات مجلس مؤسسان در مقدمه آبانماه ۱۳۰۴ تصویب شده است بپردازد.  
 رئیس - پیشنهاد آقایان شریعت زاده و اشگر هم قریب همین مضمون است معاون وزارت مالیه - بنده پیشنهاد آقای آقا میرزا شهاب را قبول میکنم رئیس - نسبت باین پیشنهاد مخالفتی نیست؟  
 رئیس - رأی میگیریم باورقه - یک نفر از نمایندگان کان - رأی باورقه لازم نیست.  
 رئیس - این قسمت قبلاً تصویب نشده بود - رأی گرفته میشود باورقه ورقه سفید هلاکت قبول - ورقه سیاه علامت رد است.  
 (احدواستغراج آراء عمل آمده نتیجه بطریق ذیل حاصل شد)  
 ورقه سفید هلاکت قبول ۷۵  
 رئیس - همه حاضر هشتاد و پنج باصتدریت هفتاد و پنج رأی تصویب شد.  
 اسامی رأی دهندگان:  
 آقایان - آقا میرزا صادقخان - آبر - حاجی حسن آقا ملک - آقا سید ابراهیم ضیاء - حاجی آقا اسمعیل - هراقی - حائری - زاده - طباطبائی دیا - طهرانی - ناصر ندامانی - مرتضی قلی خان بیات - دکتر امیر خان اهلر - آقا میرزا یوسف خان دستغیب - حاجی میرزا علی رضا - حاج آقا رضا رفیع - حاجی شیخ عبدالرحمن صالحی - آقا میرزا سلیمان ایزدی - روحی - میرزا محمد خان معظمی - حاج میرزا عبدالوهاب - اسکندری - میرزا جواد خان امامی - یاسائی - لطف الله خان - لبقوئی - میرزائی - آقا سید علاءالدین - حبیب الله خان کالوند - زاهدی - آقا میرزا آقاخان عصر انقلاب - آقا سید ابوالفتح - حیدر قلی میرزا حشمتی - محمد هاشم میرزا افسر - آقا شیخ جلال الدین - آقا شیخ محمد علی ثابت - آقا سید عبدالحمین صدر - میرزا حسین خان دادگر - محمد ولی میرزا فیروز - آقا میرزا رضاخان افشار - اشگر - رهنا - اسمعیل خان قشقائی - آقا میرزا رضاخان - حکمت - آقا سید کاظم ایزدی - یحیی خان زنگنه - شیروانی - سلطان ابراهیمخان افخمی - کی استوان - آقا میرزا علی خان خطیبی - آقا میرزا باقرخان عظیمی - شریعت زاده - آقا میرزا عبداللہ خان معتمد - محمد تقی خان

اسمه حبیب‌اله خان شادلو و دکتر حسین خان بهرامی و آقای میرزا بداله خان نظامی - آقای میرزا شهاب‌الدین - آقای سعید حسن کاشانی - آقای میرزا محمدخان و کیلی - آقای میرزا آقا - میرزا محمودخان و حبیب‌سمه - آقای میرزا اسمعیل خان اسانلو - مفتی دیوان بیگی - حاجی میرزا احمدخان انابکی - هابیم - سهراب - زاده - نجات - فرج‌اله خان آصف - سلطانی - حاجی میرزا - هاله خان - آقای آقا سید یعقوب - میرزا حسین خان اسفندیاری - فتح‌المریزا - هرمزی - آقا میرزا ابوالحسن خان پیرنیا - صدرائی -

رئیس - آقای دادگر پیشنهاد نفس داده اند اگرچه نفس طبیعی است چون صفتی نیست (در این موقع جلسه برای نفس تعطیل و بااصله نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس نسبت برائی که قبل راجع به ماده واحده پیشنهادی دولت داده شد یک اشتباهی در عهده آراء شده است تذکراً به عرض مجلس میرسانم. آقای میرزا حسین خان اسفندیاری در موقعیکه ورقه خود را داده اند عوض یکی دورای داده اند - معلوم میشود بهم چسبیده بوده - و بعد در موقع شماره آراء از هم تفکیک شده است.

بنابراین از عهده آراء که عرض شد ۷۵ رای یک رای کم میشود و ۷۴ رای میشود. آقای بیات فرمایشی دارید؟

هر قضی قلی خان بیات - بنده یک سؤالی از وزارت داخله راجع بانخابات کرده بودم اگر آقای منصورالملک حاضره برای جواب مستند عرض کنم.

معاون وزارت داخله - بفرمائید. بیات - بر حسب نظامنامه که از مجلس گذشت و پیشنهادی که شد قرار این بود که ۴ ماه باخر دوره ماده ۵ یعنی وراول ۲ ماه انجمن های نظار انتخابات دو ذکله و لایات تشکیل شده و روز سوم اعلان انتخابات منتشر شود و ۲۲ آبانماه روز اول ۳ ماه است و هنوز نظار ولایات معین نشده و اعلانی از طرف انجمن نظار منتشر نشده است.

باوصف اینکه این مسئله برهن است که دولت همیشه در اجرای قوانین ولی چون در این باب تأخیری شده میخواستم علت آنرا از وزارت داخله سؤال کنم که چگونه انتخابات که باید ۲۲ آبان ماه اعلان منتشر شود تا حال منتشر نشده و انجمن های نظار هم معین نشده اند.

ششم بودو مطابق مقررات قانون انتخابات از طرف دولت تمام وسایل انتخابات فراهم شده بود و اوراق تعرفه و دستور العمل دولت پرا کز خود رسیده بود کامل و حاضر بود که روز موعده شروع شود ولی آقایان البته متذکر هستند که این موضوع تصادف کرد با انتخاب مجلس مؤسسان و این امر مهم را البته نمی شد تاخیر انداخت.

از طرف دیگر اجرای دو انتخاب با هم دیگر مقدر نبود و میبایستی یکی بعد از دیگری بشود.

این بود که با همان دلایلی که برای انتخاب دوره ششم تهیه شده بود شروع شد بانخاب مجلس مؤسسان که الان در جریان است و بزودی خانمه پیدا میکنند و در این صورت البته انتخابات دوره ششم بتأخیر می افتد برای اینکه وسایلی که کلاً تهیه شده بود بصرف انتخاب مجلس مؤسسان رسید.

ولی بعضی اینکه کار مجلس مؤسسان انجام پیدا کند و خانمه بیا همان انتخابات دوره ششم شروع میشود و آن وسایلی که تقصیر پیدا کرده است تهیه میشود که بدون تأخیر انتخابات دوره ششم شروع شود.

رئیس - جمعی از نمایندگان راجع به دستور پیشنهادی کرده اند (بعضیون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکند - لایحه استقراض فلاح از دستور امروز خارج شود.

یوسف عدل - عظیمی - افشار و چند نفر دیگر از آقایان

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - بنده مخالفم تصور میکنم هیچ موجهی داشته باشد که این لایحه از دستور خارج شود و بنده لایحه اقتصادی مهمی است که بایستی تعقیب کرد تا لایق داد (چنانچه بنده هم در آن نوازش مشاهده میکنم) باید یک پیشنهادهایی کرد که اصلاح شود و اگر هم لازم برآید بکسیون باشد آن اصلاحات بکسیون ارجاع شود تا با ملاحظه پیشنهادها مجدداً بمجلس بیاید و پیشنهاد خروج از دستور گمان میکنم مقتضی نباشد.

رئیس - پیشنهاد خروج از دستور امروز است؟ آقای عدل (اجازه)

میرزا یوسف خان عدل - بنده در جلسه گذشته شرح مفصلي عرض کردم و حالا نمیخواهم وقت آقایان را ضییع کرده باشم.

فقط میخواستم خاطر آقایان مسجون باشد که مقصود بنده و آقایانی که این پیشنهاد را کرده ایم نه این است که این لایحه

یکلی از دستور خارج شود ولی چون این لایحه بنظر مایه نواقصی دارد و بعضی در مجلس مذاکره میشود یک مدت مدیدی وقت مجلس را صرف میکند و تصور میکنم آقایان خودشان تصدیق بفرمایند.

این است که پیشنهاد کردیم این بر گردد بکسیون تجدید نظر شود و آن نواقصی که دارد رفع شود و تصور میکنم اگر خود دکتر میلیو هم حاضر باشد ایرادات ما را بشنود خود او هم تصدیق میکند آنوقت لایحه را اصلاح کرد و بمجلس میآوریم.

رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد آقایان اینکه تصویب میکنند فیما بفرمایند.

(غلب برخواستند)

رئیس - خروج از دستور امروز تهریب شده.

قسمت دوم دستور خیر کمیسیون تجدید نظر در نظامنامه داخلی راجع به استخدام اعضاء اداری مجلس شورای ملی است - شور اولش تمامه ۵ رسیده است از ماده ۵ تا آخر باقی مانده که شور اولش تمام شود - ماده چهل و پنج قرائت میشود.

(شرح ذیل قرائت شد) ماده ۴ - مقدار وظیفه بالتساوی بین ورثه مذکور در ماده چهل و یک تقسیم میشود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - عرضی ندارم.

رئیس - آقای دادگر (اجازه)

آقای دادگر - عرضی ندارم.

رئیس - آقای حائری زاده - بنده موافقم (اجازه)

افشار - بنده عرضی ندارم.

رئیس - آقای میرزا شهاب (اجازه)

آقا سید یعقوب - این جا خوب است نوشته شده که این وظیفه بالتساوی مابین ورثه که در ماده چهل و یک نوشته شده است تقسیم میشود.

اصلاح کرد که بطور تساوی با نهادن شود یا شرط شود در صورتیکه آنها در تکفل شخص متوفی باشند یا ملا معسر باشند والا همینطور بطور تساوی به هم داده شود برادر و خواهر و عمال و اولاد یک قدری غیر عادلانه است.

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - آقای آقا میرزا شهاب میبایستی تبصره آن ماده را خوانده باشند میبویسد.

نسبت برادر و خواهر و برادر و وظیفه داده میشود که در تکفل شخص متوفی بوده باشند.

وظیفه که بورته داده میشود نه از تقاضا نظر فقر آنها است بلکه از نقطه نظر قدر شناسی نسبت به مستخدم است و وقتی بنده یک مستخدمی بورته او وظیفه داده شود خواهر و برادر هم که در تکفل او هستند بدیهی است باید با آنها داده شود.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - ماده ۶ (شرح ذیل خوانده شد) در صورتیکه یکی از ورثه فوت کند یا از مشمول قرائت ۱ و ۲ ماده ۴ خارج شود وظیفه او موقوف خواهد شد.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - عرضی ندارم.

رئیس - مخالفی نیست (گفته شد خیر)

رئیس - ماده ۷ (شرح ذیل خوانده شد) حقوق تقاعدی ندارند ولی مستخدم مستثنی چنانچه مجدداً بخدمات اداری مجلس قبول شود از کسور حقوق تقاعدی خود استفاده نموده و مدت خدمت سابق او محسوب خواهد شد.

رئیس - مخالفی نیست؟ آقای آقا سید یعقوب.

آقا سید یعقوب - این جا خوب است نوشته شده که این وظیفه بالتساوی مابین ورثه که در ماده چهل و یک نوشته شده است تقسیم میشود.

در ماده چهل و یک برادر و خواهر را هم جزء ورثه نوشته اند خواهش می کنم اختیار نکرده برادر تا سن ۲۱ سالگی در صورتیکه ممکن است برادر و خواهر خودشان استطاعت داشته باشند و محتاج نباشند که این سه شاهی که بورات یک نفر مستخدم داده میشود بطور تساوی با آنها هم داده شود.

باینکه آنها هم در صورت بودن اولاد شرعاً وارث نیستند پس اینجا را باید بطوری

بنده مخالفم در صورتیکه مستثنی شد و دوم مرتبه مستخدم شده خدمت سابق را چه لاحقش قرار بدهیم و این همه حقوق برایش قرار بدهیم این را بنده مخالفم.

مخیر - در هر صورت مدت خدمت مستخدم را معین کرده اند که تا چه مقدار که خدمت کرد حق گرفتن حقوق تقاعدی دارد ممکن است یک مستخدمی از مجلس استعفا دهد در یکی از وزارتخانه خدمت بکند و دو مرتبه بر گردد بمجلس در هر صورت مدت خدمت ماخذ گرفتن حقوق تقاعد است و در این صورت اشکال آقای آقا سید یعقوب گمان می کنم وارد نباشد.

رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - عرضی ندارم.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - اگر چه آقای آقا سید یعقوب توضیح دادند بنده هم حقیقتاً از جوابیکه آقای مخیر فرمودند متعجب نشدم.

یک نفر از نمایندگان - قانع. کازرونی - بلی آقایان خدمت که سهل است گمان میکنم جواب هم نبود مقصود این است که اگر کسی صرفه و صلاح خودش را همچو تشخیص داد که از خدمت مجلس مستعفی شود - بسیار خوب مستعفی شد و رفت مشغول کارهای دیگر شد بهماز مدتیکه بدین کار تازه اش برایش خوش نشین نشده دوم مرتبه می خواهد تهیه وسایلی بکند و بر گردد بمجلس آنوقت بعد از اینکه بمجلس برگشت آن مدتی را هم که سابقاً خدمت کرده بازم محسوب میشود؟

بنده هیچ دلیلی برای اینکار نمی بینم چه طور شما اختیار باو میدید که اگر ولس خواست استعفا بدهد اما از این طرف بمجلس اجازه نمیدید که آن حق سابقش را هدف کند و دیگر چیزی مغضوب ندارد؟

همانطور که باو حق میدید که اگر وقتی خواست حق دارد استعفا بدهد آنهم بعد از اینکه یک مدت متباعدی بدون اینکه در واقع تجربه داشته باشد داخل خدمت شده و حالا موقفی است که تجربه ای پیدا کرده و مجلس میتواند از تجربیات او استفاده کند همانطور باید بمجلس این حق را بدید.

این در واقع مثل این است که این جادار الامتجان و دارالتجربه برایش شده ول میکنند میروند کار دیگر بکنند هم هر وقت خواست رجوع میکنند بنده گمان میکنم باید این قید بشود که اگر کسی استفاداد وقت چرباش

این باشد که مدت خدمت سابقش بکلی از میان برود تا دیگر باین ملاحظه کسی میل نکنند استعفا بدهد و بخدمت خودش ادامه بدهد.

مخیر - عرض میکنم ممکن است در مجلس یک قانون خدمت اجباری گذرانند یعنی همانطوریکه قانون نظام اجباری گذرانندیم یک قانون خدمت اجباری هم بگذارانیم ولی عیالنا این قانون خدمت اجباری نیست و این قانون استخدام است و جلو آزادی اشخاص را هم هیچ چیز قانون بعقیده بنده اگر یک مستخدمی همین طوریکه فرمودید یعنی همان لایق آقای کازرونی این لایق بنده است صرفه و صلاحش در این شد که استعفا بدهد و برود بیک شغل دیگری که مطابق صرفه و صلاح او باشد قبول کند این یک جرمی مرتکب نشده که بجرم اینکه همچو کاری کرده که صرفه و صلاح خودش را نظر گرفته باید حق مشروع او از بین برود بنده نمیدانم این شخص چه جرمی مرتکب شده که باید مجازات بشود؟

یک کسی که می خواهد صرفه و صلاح خودش را مثل سایر افراد بشر حفظ کند چه گناهی کرده؟ آقای کازرونی که یک تاجر می هستند اگر برای حفظ صرفه و صلاح خودشان یک مال التجاره را یک قران گران تر بفرشند آیا کسی میتواند بگوید چرا گران تر فروخته؟

البته مال ایشانست حق دارند برای صرفه خودشان گران تر بفرشند بنابراین باید ایشانرا از حقوق مدنی محروم کرد که چرا گران تر فروخته اند کازرونی - حقوق مدنی کدام است؟

مخیر - این یک چیز عجیبی است اما عرض میکنم که یک نفر مستخدم بعد از یک سنین خدمتی باید حقوق تقاعد بگیرد فقط هدرک او سنین خدمت او است - ممکن است در این جا پیشنهاد بفرمائید که سنین خدمت او را محسوب نماند و باینکه سنوات خدمت محسوب میشود کسی که مدت خدمت خود را انجام داده حق گرفتن حقوق تقاعد را دارد.

حالا فرض میکنیم که این خدمت را در این اداره یا یک اداره دیگری انجام بدهد در هر صورت بعد از بیست و پنج سال خدمت باید حقوق تقاعد بگیرد و بنده نمیدانم این شخص چه گناهی را مرتکب شده که باید مجازاتش کرد چون برای صرفه خودش خواسته است کار دیگری را قبول کند این چه جرمی است؟

(بعضی گفتند مذاکرات کافی است) کازرونی بنده توضیح دارم

رئیس - آقای بهار (اجازه)

بهار - عرضی ندارم.

رئیس - توهین بشما نکردند. کازرونی نسبت بنظام سوه تمجیر شده و البته سوه تمجیر امانت است.

رئیس - بفرمائید. کازرونی - بنده هیچ وقت نگفتم که اعضاء مجلس از حقوق مدنی باید محروم باشند اگر گفته ام استعفا میکنند - کی بنده همچو حرفی زدم؟ بنده عرض نکردم مجازاتش بکنند بنده عرض نکردم تقصیر کرده این حرفها چرا کی من همچو چیزی گفتم؟

میکویم این شخص بکنفر آدم مستقل و در شغل خودش آزاد است اما مجلس و دولت را هم شما یک شخص آزاد حساب کنید بنده سوای این عرضی نکردم بنده عرض میکنم صرفه اش میکند که سابقه خدمت خودش را از دست بدهد البته مجازات است استعفا بدهد و یک شغل دیگری پیدا کند مجلس هم حق دارد که اگر در وقت نا ای آن شخص خواست شغل خودش را بگیرد در صورتی که از سابقه خدمت خودش صرف نظر بکند این شغل را مجدداً باو بدهد شما این حق را باو میدید ولی بمجلس نمیدید؟

رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - بنده باین ماده مخالفم از این لحاظ نیست که آقایان میگویند البته یک کسی که خدمت کرده و استعفا کرده و رفته بعد که موجبات عودت بخد مت اولیه اش فراهم شد علت ندارد که از سابقه خدمت خودش محروم باشد ولی نسبت بنقاعده هم که نوشته از کسور تقاعدی استفاده خواهد کرد این عبارت هیچ ضرورتی ندارد زیرا خزانه ملک مشغول است باشخاصی که بقدر مدت حقوق تقاعد خدمت کرده اند حقوق تقاعد بدهد.

و این جمله لازم نیست چنانچه در قانون استخدام هم قیدی نشده و این مطلب در آیه استفاده خواهد کرد این عبارت هیچ ضرورتی ندارد زیرا خزانه ملک مشغول است باشخاصی که بقدر مدت حقوق تقاعد خدمت کرده اند حقوق تقاعد بدهد.

این یک مبانی است و یک قسم مالایاتی است که مصرفش تخصیص دارد برای این محل.

رئیس - آقای بهار (اجازه)

بهار - عرضی ندارم.

واقع شده و میشود که باین آن اشتباهات و ارفع کرد - مستعفی غیر از تعرض و خروج است.

اول جواب آقای آقا سید یعقوب. آدم مستعفی معنایش این است یعنی یک قضیه برایش پیش میاید که نمی تواند فعلاً استخدام مجلس را ادامه بدهد و استعفاش نه از باب تعرض است و نه از باب اینکه بیرونش کرده باشند و استعفا می دهد می رود یا در ادارات دولتی یا مقب کسب و تجارت.

اگر رفت در ادارات دولتی که حقوق تقاعدی فرق نمی کند چه اینجا باشد چه جای دیگر باید باو بدهند و یک حقوق تقاعدی طلب کار است چه وقتی که در آن اداره است و چه وقتی که برگشت در مجلس و بیشتر اشکال گمان می کنم برای این باشد که اگر رفت بشغل تجارت مثلاً و بهر - بر گشت

البته این مستخدمی که رفته و دو دوم مرتبه پیشنهاد داده و برگشته باین مجلس او را لازم دارد پس حالا که او را لازم دارد باید حقوق تقاعدش را هم بدهد پس بعقیده بنده هم مربوط بتعرض است و نه مربوط بخروج.

اما یک قسمت دیگری که اینجا باز اشتباه شده این است که آقای شریعت زاده میگویند از کسور تقاعد چرا این هم پیش بینی شده.

برای خاطر اینکه اگر باندازه این شخص در صندوق تقاعد موجود است به او میدهند و اگر نیست جزو اعتبار مجلس میاید و در بودجه پیش بینی میشود لفظ کسور تقاعدی برای این است و مطلب سر چیز دیگری است و این که میگویند حق این آدم چیست این حق مال این آدم است.

برای اینکه وظیفه این آدم یا باینجا تومان یا خدمت تومان یا صد تومان است شما از وظیفه اش کسری کنید حق بر میدارید.

راجع بقرضه فلاحی نظرم هست آقایان می گفتند حتی که مال یک اشخاص دیگری است چرا عرض بدهیم پس این شخص حق دارد و حالا که مجدداً برگشته میگوید چرا حقش را بخش بدهیم؟ این حق مال خودش است و بایستی باو داده شود جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهادات واصله قرائت میشود و بعد ارجاع میشود بکمیسیون پیشنهاد شاهزاده انسر (شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم عوض استعفا نوشته شود اگر اداره دیگر انتقال یافت.

پیشنهاد آقای معتمد - بنده تقاضا

دست قیپ - اصلاح اشتباهاتی در بین

میکنم برای خانه دادن باین مذاکرات تبصره ماده پنج قانون استخدام کشوری قرائت شود:

تبصره - هرگاه مستخدمی از خدمت دولت مستعفی شود و در ثانی دولت قبول استخدام او را بنماید مدت خدمت اولیه او جزه سنوات خدمت محسوب خواهد شد.

رئیس - مقصودشان این بود است که این تبصره علاوه شود.

ماده ۴۸ قرائت میشود.

(شرح زیر قرائت شد)

ماده ۴۸ - در آخر هر سال مابشرین فهرستی ترتیب داده مطابق ذیل را در فهرست مدفوع تشخیص میدهند.

۱- دولتی که در سال جاری از مقرری های مستخدمین کسر شده است.

۲- حقوق تقاعدی که تصویب شده و حوقی که برگشت کرده است.

۳- عده تقاضای های حقوق تقاعدی آن سال و مبلغ آن.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده مخالفتم از این نقطه نظر است که این نظامنامه استخدام مستخدمین است که ما وضع میکنیم و این ماده راجع بپول مابشرین است ما عمل مابشرین را نباید در قانون استخدام معین کنیم.

ما که نباید بگوئیم مثلا مابشرین چه وقت جای دم کنند این مسئله ربطی بقانون استخدامی که از مجلس میگردد ندارد این بود عرض بنده

رئیس - آقای آقا میرزا شهاب (اجازه)

آقا میرزا شهاب - اساسا آقای سید یعقوب صحیح میفرماید و این تکلیفی است که برای مابشرین معین شده و مربوط بقانون استخدام نیست.

ولی چون این مسئله تماس دارد با عمل مستخدمین یعنی حقوق تقاعد آنها باید معلوم شود و موقع متقاعد شدن آنها باید معلوم شود از این جهت اینجا نوشته شده است که در آخر سال معین میکنند که فلانکس متقاعد شده است یا فلان قدر از حقوق مستخدمین کسر شده است اینها باید نوشته شود برای اطلاع اداری و ارسال مستخدمین

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

اخگر - بنده مخالفم رئیس - با کفایت مذاکرات مخالفید؟

اخگر - خیر

رئیس - ماده چهارم و نه قرائت می شود.

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۴۹ - در صورتی که مبلغ وجه

صندوق تقاعد و وظیفه از وجهی که برای حقوق تقاعدی وظیفه لازم شده بیشتر باشد مازاد بجمع سال بعد خواهد آمد و چنانچه که تر باشد در خروج در بودجه سال بعد مجلس منظور خواهد شد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خیلی متاسفم که ما در دوره چهارم بنوائس قانون استخدام بر خوردیم و آن تقاضی و تعدیلات قانون دوره چهارم طوری وانموده که اعضای مجلس محل حمله واقع شدند و چکار کنیم؟

هر چه گفتیم قانون اسام سابق را میاوریم اصلاح کنیم تا این ایرادات مرتفع شود شد. آمدیم نشستیم و یک پیشنهادی هم کردیم که هفتاد و چهار نفر امضایش کردند نمایان شاهزاده محمد ششم میرزا چکارش کرد. این را ما نوشتیم بلکه یک کاری نکنند. حالا آقای شیروانی که هم بر سر بن حمله نکنند. من ایرادی ندارم.

قانون استخدام سابق را ملاحظه کنید به بنده چه کرده است به ملک است.

آقایان تمام افراد ملک دست از کارهایشان کشیده اند و ما یک قانون استخدامی نوشته ایم میگویند چه چیزی است از این کار به ترومه حمله میاورند برای ادارات ما باید کاری کنیم که قانون استخدام بکنند مضیق تر بشود که مردم انکال بنفس خودشان بکنند. در این ماده نوشته شده است حقوق استخدام میگردد تقاعد میکنند آتوقت اگر کم آمد از بودجه بعد داده شود بنده ایراد در اینجا است.

حالا آقایان میفرمایند خارج از موضوع است بنده عرض میکنم همین مسئله را میاورید در بودجه ملک است و آن قانون استخدام بعد از هشت سال که واقع شد درست چه زملیون دیگر ما باید در این مدل وضع مالیات بکنیم. این هم یک جزء است از همان قانون برای اینکه مینویسد اگر حقوق تقاعد کم شد باید در بودجه سال بعد منظور شود این را در نظر بگیرید همین ماده ای که گذشت در قانون استخدام بلکه آن امفی بزرگ که ایران را خورده باید همین راه هم وزارت مالیه در نظر بگیرد هشت سال دیگر که گذشت بیست و چهار میلیون هشت سال دیگر که گذشت بیست و چهار میلیون.

آتوقت به بنیم دیگر کدام ایالت ایران را نرویشیم و به مصرف حقوق تقاعد برسانیم در صورتیکه فلان شخص از وقتی که رفته است توی ادارات تمام اسباب راحتی برایش فراهم شده است بعد برایش هی حقوق تقاعدی هم حقوق انتظار خدمت تمام نظریات بنده و آقای آقا میرزا علی

و خود آقای شیروانی ایست که این قانون استخدام بی بیروان از دهانی که ما را می بلعد میاوریم و اصلاح کنیم.

پس وقتی که این ماده را شامدر اینجا بگذرانید این دستور العمل برای وزارت مالیه میشود.

اسمال ببینید چقدر زیادتر کرده اند اصل موضوع اینست که وزراء میگذازند و میروند چون میدانند که قانون استخدام مورد حمله واقع میشود بنده شاهزاده سلیمان میرزا مذاکره کردم که این مواد چه چیز است؟ گفتند عمل نمیکند.

مثلا نوشته شده است که اگر بودجه کفایت کرد ارتقاء رتبه داده شود ولی اینها ابتدا ملاحظه نمی کنند (در همان ماده که نوشته شده است بعد از دو سال ربع حقوق افزوده میشود) یا اینکه عمل ندارند فوراً رتبه بالا نروا بهش میدهند. آتوقت بودجه را میاورند وسعت میدهند و بیست و چهار نفر مدیر کل درست میکنند.

آخر در یک وزارتخانه بیست و چهار نفر مدیر کل! حالا بنده از مجلس شورای ملی تقاضا میکنم اگر میخوانند خانه بنده به آن قانون استخدام این حقوقهای فوق العاده اول قدمش همین است بنده عرض میکنم آن اندازه که در صندوق تقاعد هست بدهند و اگر نیست دیگر حساب سال بعد میاوریم. این مسئله سال بعد را ملاحظه بفرمائید و زرتخانه ها چه می کنند.

بنده این مسئله را چند مرتبه عرض آقایان رساندم. ما امانت داریم. ما خزانه داریم. ماها صدیقیم. ماها انیم و دنیاید هی بلند شویم و رأی بدیم این است عریض بنده.

مخبر - چون آقای آقا سید یعقوب استفاده کردند از موقع این ماده و خیلی فرمایشان که ربطی به این ماده نداشت فرمودند بنده هم زیاد دلاکی ایشان را میخواهم بمرکز قرار بدهم و سبب امر خودم را در گذرانم این قانون عرض کنم.

البته خودشان تصدیق میفرمایند که آقای افسروایشان پیشنهاد تهیه میکردند یکی از اشخاصیکه در آن پیشنهاد کار میکرد و با ضمیر مساند بنده بود و از همین نقطه نظر است که بنده میخواهم یک روشنی در مقابل قانون استخدام کشوری ما بگذرانیم. در آنجا شما نه درجه برای مستخدمین دولت قائل شده اید ولی مادر این جا شش درجه قائل شده ایم. در آنجا سادت کارشان را معین کرده ایم که اگر نیم ساعت اضافه کار کنند حقوق اضافه می گیرند در اینجا مستخدمین مجلس در برابر اعضاء وزارتخانه کار میکنند رتبه بندی که در حقوق اعضاء مجلس شده است یا قانون استخدام کشوری فرق دارد.

یک موضوعی که آقای آقا سید یعقوب

مربوط باین ماده ایراد فرمودند این بود که اگر حقوق تقاعد کسر آمد چرا از بودجه مجلس داده شود. در صورتیکه حقوق تقاعد را الان از نقطه نظر قانون استخدام یک چیزی هم اضافه میاورند که میخوانند بقل و بخش نکنند.

حقوق تقاعد باین حسابی که ما کرده ایم کسر نمیشود ولی ممکن است در ضمن یکی از اعضاء مثلا از مجلس خارج بشود و دو مرتبه بر گردد در توی این بودجه ما قلم در دست گرفتیم و حساب کردیم متعهد در دوره سال پنجاه الی صد تومان تفاوت پیدا خود شما میخواهید آن ازدهای دهانرا یا این قانون رفع کنید تمام تلافی های این مملکت را میخوانید در حقوق چهار نفر متقاعد اعضاء مجلس تأمین کنید.

آنها را که بنده و شما هم موافقیم که باید درست کرد اصل اساس سراسر بندی قانون استخدام است و الا این قبیل مواد فری تفاوتی در بودجه نمیکند شما سکه چهار نفر مدیر کل درست میکنند.

آخر در یک وزارتخانه بیست و چهار نفر مدیر کل! حالا بنده از مجلس شورای ملی تقاضا میکنم اگر میخوانند خانه بنده به آن قانون استخدام این حقوقهای فوق العاده اول قدمش همین است بنده عرض میکنم آن اندازه که در صندوق تقاعد هست بدهند و اگر نیست دیگر حساب سال بعد میاوریم. این مسئله سال بعد را ملاحظه بفرمائید و زرتخانه ها چه می کنند.

بنده این مسئله را چند مرتبه عرض آقایان رساندم. ما امانت داریم. ما خزانه داریم. ماها صدیقیم. ماها انیم و دنیاید هی بلند شویم و رأی بدیم این است عریض بنده.

رئیس - ماده پنجاه قرائت میشود (شرح آتی قرائت شد)

ماده پنجاه - مستخدمینی که قبل از تصویب این قانون بخدمت اداری مجلس قبول شده اند از رعایت شرط راجع به عد اقل سن معافند و چنانچه بین آنها اشخاصی باشند که در سن هفتاد سالگی واجد شرایط اخذ حقوق تقاعدی گردند استثناء بماند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده میخواستم تقاضا کنم اگر آقایان همراهی بفرمایند مجلس را تعطیل کنیم زیرا ما هنوز در این قانون مطامه نکرده ایم مقداری هم از نظر گذشته است دیگر بسته است بنظر آقایان.

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - این قانون شرواوش تمام شده است فقط چهار ماده باقی مانده است بنده مخالفم با ختم جلسه و معتقدم که این چهار ماده را هم تمام کنیم بعد جلسه را ختم کنیم.

رئیس - اگر ایشان لازم بدانند باید پیش نهاد کنند آقای اخگر باماده مخالفید؟

اخگر - بلی این ماده اساسا یک قانونی نمیشود که هیچ معلوم نیست چه نوشته شده و خیلی مخالفت دارد با ترتیباتی که در قانون استخدام کشوری نوشته شده. اگر در مجلس يك اشخاصی باشند که بقانون تقاعد نرسند آتوقت چطور؟ چون نوشته شده در سن هفتاد سالگی مجبور نیستند متقاعد شوند خوبست دوباره قرائت شود این ماده معنی ندارد.

مخبر - اگر آقای اخگر لایحه را جلوی شان نگاه داشته اند و مطالعه نکرده اند تقصیر ما نیست. مستخدمینی که قبل از تصویب این قانون بخدمت اداری مجلس قبول شده اند از رعایت شرط حد اقل راجع بسن معافند. يك حد اقلی ما راجع بسن قائل شده ایم.

این جا میگوید آنها ای که قبل داخل خدمت شده اند معاف خواهند بود و این يك امر بدیهی است چون فعلا در خدمت هستند و چنانچه بین آنها اشخاصی باشند که در سن هفتاد سالگی واجد شرایط اخذ حقوق تقاعد گردند استثناء در سن هفتاد سالگی معاف از خدمت نخواهند بود.

یعنی مستخدمینی که در آتیه ممکن است داخل خدمت شوند مجبورند در سن هفتاد سالگی از خدمت معاف شوند و حقوق تقاعد بگیرند ولی آنها ای که از سابق داخل خدمت شده اند اینجا معاف کرده و میگویند در سن هفتاد سالگی میتوانند سر خدمت باشند حالا میخواهید آنها هم نپاشند پیشنهاد کنید تا شده.

رئیس - ماده پنجاه قرائت میشود (شرح آتی قرائت شد)

ماده پنجاه - مستخدمینی که قبل از تصویب این قانون بخدمت اداری مجلس قبول شده اند از رعایت شرط راجع به عد اقل سن معافند و چنانچه بین آنها اشخاصی باشند که در سن هفتاد سالگی واجد شرایط اخذ حقوق تقاعدی گردند استثناء بماند.

رئیس - مخالفی ندارم؟ حائری زاده - بنده مخالفم. رئیس - بفرمائید.

حائری زاده - این لایحه چهار ماده دیگر دارد شرواوش هم است و آقایان میتوانند برای شورتانی مطالباتشان را کامل بکنند و حالا اگر ما بخواهیم این چهار ماده را بگذرانیم برای جلسه آتیه يك مدتی وقت خودمان را صرف این چهار ماده بکنیم از روی نماندند بنده متقدم می بینم اهالی همدان به چه بدبختی دچار شده اند و البته آقایان نمایندگان هم نماینده همه ولایات هستند

رئیس - رأی میگیریم بپیشنهاد آقای آقا سید یعقوب آقایان موافقتن قیام فرمائید.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شده. جلسه آتیه روز سه شنبه دستور هم بقیه شور در این لایحه

و چهار فقره شهریه که قیلا پیشنهاد شده و ضمنا تما میکنم کسری اعضاء کمیسیونها و کمیسیون نظام که بنا بود انتخاب شود برای جلسه آتیه در نظر بگیرند و انتخاب کنند.

(مجلس نیساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی سید محمد تدین منشی م - شهاب منشی علی خطیبی

جلسه ۲۱۸ صورت مشروح مجلس سه شنبه بیست و ششم آبانماه ۱۳۰۴ مطابق سنخ ربیع الثانی ۱۳۴۰

مجلس دوساعت قبل از ظهر بریاست آقای تدین تشکیل گردید (صورت مجلس یکشنبه بیست و چهارم آبانماه را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند)

رئیس - آقای رضوی (اجازه)

رضوی - قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم

رئیس - قای شیروانی (اجازه)

شیروانی - قبل از دستور

رئیس - آقای اسدی (اجازه)

محمد ولی خان اسدی - بنده رأی در صورت مجلس غائب بی اجازه نوشته اند در صورتی سکه بنده مریض بودم استعزام هم نموده ام

رئیس - اصلاح میشود نسبت بصورت مجلس اعتراضی نیست (گفتند خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. آقای رضوی (اجازه)

رضوی - اگر چه شاید حالا آقایان بفرمایند فلانی غیر از این مسئله چیزی دیگری بلد نیست

ولی بنده مجبورم این مسئله را همه روزه خدمت آقایان عرض کنم بملت اینکه میگویند برای معارضه مالاری و لایحه بنده می بینم اهالی همدان به چه بدبختی دچار شده اند و البته آقایان نمایندگان هم نماینده همه ولایات هستند

ولی خصوصی برایشان خبر نرسد از برای بنده از همدان بطور خصوصی خبر میرسد بنده وضع همدان را میدانم که تا ده روز دیگر که برف بیاید قطعا راه مسدود میشود و اهالی آنجا بکلی از بین

میرودند حالا سایر ولایات اینطور نیست ولی آتیا بخصوص میان يك دره هائی گیر کرده که خیلی سخت است

بعلاوه اسمال آذوقه اش هم نیامده و این قسمت را خود دولت هم تصدیق دارد

آلان در تمام شهر همدان بانصد خروار جنس نیست و تصدیق خود دولت روزی صد خروار گندم خوراك شهر است بنده همه جا رفته ام و همه کس را دیده ام آقا نتیجه گرفته نشده بنده از آقایان

استدعا میکنم در عالم نوع پروری بنده کمک بفرمایند در این مسئله بنده بکرات این مسئله را عرض کرده ام حالا هم تمتی میکنم کمک فرمایند شاید اهالی همدان رانجات دهند

همینقدر به بنده ارائه بدهند که آذوقه همدان بدبخت کجا است که این چهار ماهه اهالی بتوانند زندگی کنند؟

پیش از اینهم برای اهالی توفعی ندارم که بگویم دارا لایتم میخوانند. معارف میخوانند که چه حق دارم که اینها عرض کنم ولیکن چون میدانم آنها فعلا درست نیستند همینقدر عرض میکنم يك نان خالی به آنها بدهند یعنی عوض آن جنس را که دولت از همدان آورده است بپهران به آنها بدهند دولت تمام جنس همدان را حمل کرده است آورده است به طهران یا جای دیگر بنده نمیگویم بطهر آنها نان ندهند ولی همدانها هم نان میخواهند همانطوری سکه طهران شکم دارد همدانی هم شکم دارد و نان میخواهد

حالا يك تعقیبات دیگری با اهالی دارد شد که مالهای آنها را گرفته اند و مکاری های آنجا از بین رفته اند اینها را عرض میکنم چون اهالی همدان همیشه مطیع بوده اند و هر تعمیلی هم شده است اطاعت کرده اند هیچوقت هم تخرد نبوده اند حتی مالیات های غیر قانونی هم (سکه چند مرتبه بنده اینجا گفته ام و فایده نکرده است) هر چه به آنها تحمیل شده است آنها را هم داده اند و میدهند و ترمدم نمی کنند

علی ایحال بنده میدانم يك ماه دیگر آقایان معاون وزارت مالیه با دلایحه میاورند اینجا برای معارضه کفن و دفن همدانها و این راهم عرض کنم که فقرای آنجا از بین خواهند رفت

زیرا آنها ای که چیزی داشته اند هر کس بقدر قوه خودش دو خروار سه خروار آرد تهیه کرده و حالا هم از ارزاق عمومی می خورد چهار روز دیگر که سست شد فقرا که چیزی تهیه نکرده اند خواهند مرد و دولت مجبور است آنها را کفن و دفن کند.

رئیس - دو موضوع است که قبل از ورود بدستور به عرض مجلس میرسانم یکی اینکه در موقع نفس آقایان شنبه چهارم سابق را تشکیل دهند و بجای آقا سید احمد خان اعتبار که از عضویت کمیسیون بودجه قدیم استعفا داده اند بکنفران انتخاب کنند.

دیگر اینکه آقایان اعضاء کمیسیون

چندی قبل هم بسلام منبر راست عرض کردم و استدعا نمودم که بدولت تذکر بدهند ایشان قبول فرمودند ولی جوابی که اسباب راحتی اهالی فراهم شود داده نشد بنده بنده ایتم این گندم همدان کجا است؟ بیش از این هم توفعی ندارم و عرض نمیکند

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - لشت و نشاء رشت تقریبا چهل و چهار بار چه دهه است یا زنده هزار جمعیت دارد و یازده هزار تومان مالیات شده است مدتهاست عده ای از اهالی متظلم و مقصد مشرومی را خواستارند و آن تأسیس ادارات است.

بنده تصور میکنم اگر بنا شود باصل ملوک الطوائفی خانه دار باید ادارات را در آنجا تأسیس کنند مخصوصا وزارت داخله حکومت آنجا را زودتر تعیین نماید که اهالی در رفاهیت باشند.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - الان که بنده اینجا نشسته ام يك شرحی متعصبین مجلس بتوسط بنده به مجلس نوشته اند.

تقریبا قریب نوزده ماه بیست ماه است که اینها در مجلس هستند هر روز هم یکی از آنها صحبت هائی با ما کرده اند و بالاخره نتیجه ای برای آنها حاصل نشده است.

بنده از طرف خودم وهم عقیده های خودم عرض میکنم که همیشه میگویم باید يك وضعیت جدیدی پیش بیاید که وضعیت قدیم منسوخ شود ولی فعلا اینطور نیست برای اینکه در این مملکت همیشه معمول بوده است که کارها به مسامحه و امروز فردا میکشند است در تمام دوائر حتی در مجلس هم اینطور بوده است.

الان قریب بیست ماه است يك دسته اشخاص در مجلس متعصب هستند حالا بنده کار ندارم که این اشخاص محق هستند یا محق نیستند در هر صورت اصل سامعه کاری باید از بین برود بنده مخصوصا از مقام ریاست تقاضا میکنم که يك کمیسیونی در مجلس تشکیل شود که مطالب اینها در آن کمیسیون مطرح شود و جواب مثبت یا منفی به آنها داده شود که راحت شوند و تکلیف خود را بدانند.

رئیس - دو موضوع است که قبل از ورود بدستور به عرض مجلس میرسانم یکی اینکه در موقع نفس آقایان شنبه چهارم سابق را تشکیل دهند و بجای آقا سید احمد خان اعتبار که از عضویت کمیسیون بودجه قدیم استعفا داده اند بکنفران انتخاب کنند.

